



کاج

تَحلیل سطر پہ سطر واژگان

۲

انگلیسی

ارشاد عظیمی

واژگان ہفتہ

تایازدہم

فرمول

لیسن

And of Allah's **Signs** of Power is the **creation** of the **heavens** and the earth and **also** the **variation** of the languages and the color of you people; **verily**, in all these are Signs for men of **knowledge**.

و از نشانه‌های قدرت خداوند، آفرینش آسمان‌ها و زمین و نیز تنوع زبان‌ها و رنگ شما انسان‌هاست؛ به تحقیق، در همه این‌ها نشانه‌هایی برای اهل دانش وجود دارد.

sign /sain/ **n.**

نشانه، علامت؛ تابلو

creation /kri'eifən/ **n.**

خلق، آفرینش؛ ایجاد

➔ **create** /kri'eit/ **v.**

خلق کردن، آفریدن؛ ایجاد کردن، به وجود آوردن

heaven /'hevən/ **n.**

بهشت؛ (ادبی) آسمان

also /'a:lsə/ **adv.**

همچنین، هم، نیز

variation /,veri'eifən/ **n.**

تنوع، گوناگونی

verily /'vertli/ **adv.**

(قدیمی) به راستی، به درستی، به تحقیق

knowledge /'nə:ldʒ/ **n.** (uncountable)

دانش

کلمهٔ **uncountable** که جلوی این کلمه نوشته شده به معنی «غیرقابل شمارش» است. در این کتابچه، اسامی غیرقابل شمارش به این شکل مشخص شده‌اند. نکات مربوط به این نوع اسامی در گرامر همین درس به‌طور مفصل بررسی می‌شوند. برای جواب دادن به بعضی از سؤالات، شناختن اسامی غیرقابل شمارش لازم است.

Understanding People

فهمیدن مردم

Interesting Facts

حقایق جالب

interesting /'intrəstɪŋ/ **adj.**

جالب

➔ **interested** /'intrəstɪd/ **adj.** (+ in)

علاقه‌مند

➔ **interest** /'intrəst/ **n. v.** (+ in)

علاقه؛ سود، منفعت؛ علاقه‌مند کردن

There are about 7000 languages in the world.

حدود ۷۰۰۰ زبان در جهان وجود دارد.

Most Languages of the world have no **written form**.

بیشتر زبان‌های جهان شکل نوشتاری ندارند.

written /'rɪtn/ **adj.**

کتبی، مکتوب؛ نوشتاری

➔ **write** /raɪt/ **v.** (wrote, written)

نوشتن

form /fɔ:rm/ **n. v.**

قُرْم، پرسش‌نامه؛ شکل؛ شکل دادن، تشکیل دادن

The **Holy** Quran is **available** in more than 100 languages.

قرآن مقدس به بیش از ۱۰۰ زبان موجود است.

holy /'həʊli/ **adj.**

مقدس

available /ə'veɪləbəl/ **adj.**

در دسترس، موجود

One language **dies** about **every fourteen days**. در حدود هر چهارده روز، یک زبان می‌میرد.

die /daɪ/ **v.**

مردن

اگر بخواهیم فعل **die** را به شکل **ing** دار بیاوریم، این فعل را به صورت **dying** می‌نویسیم.

every fourteen days

هر چهارده روز

Deaf people use **sign language** to **communicate**.

افراد ناشنوا برای ارتباط برقرار کردن از زبان اشاره استفاده می‌کنند.

deaf /def/ **adj.**

ناشنوا

sign language /'saɪn ˌlæŋɡwɪdʒ/ **n.**

زبان اشاره

communicate /kə'mju:nɪkeɪt/ **v.**

ارتباط برقرار کردن

👉 **communication** /kə'mju:nɪ'keɪʃən/ **n.**

ارتباط، برقراری ارتباط

Get Ready

آماده شوید

Look at the map. **Choose** six countries and write their languages.

به نقشه نگاه کنید. شش کشور را انتخاب کنید و زبان آن‌ها را بنویسید.

choose /tʃu:z/ **v.** (chose, chosen)

انتخاب کردن

👉 **choice** /tʃɔɪs/ **n.**

انتخاب؛ گزینه

Are you **familiar with** any of the **above** languages? If yes, **circle** them.

آیا با هیچ کدام از زبان‌های بالا آشنا هستید؟ اگر بله، دور آن‌ها خط بکشید.

familiar /fə'mɪliər/ **adj.** (+ with)

آشنا

above /ə'boʊ/ **adv. prep. adj.**

بالا؛ بالای

circle /'sɜ:kl/ **n. v.**

دایره؛ دور چیزی خط کشیدن

Match the signs with their **meanings**. There is one **extra** sentence.

علائم و معانی‌شان را کنار هم بگذارید. یک جمله اضافی وجود دارد.

match /mætʃ/ **v. n.**

جفت کردن، کنار هم گذاشتن؛ مسابقه؛ کبریت

meaning /'mi:nɪŋ/ **n.**

معنی، مفهوم

👉 **mean** /mi:n/ **v.** (meant, meant)

معنی داشتن، یعنی؛ منظور داشتن

extra /'ekstrə/ **adj.**

اضافی؛ دیگر، بیشتر

There is a **parking lot** around.

یک پارکینگ در این اطراف وجود دارد.

parking lot /'pa:rkɪŋ lɑ:t/ **n.**

پارکینگ، جای پارک

Turn off your mobile phone.

تلفن همراه خود را خاموش کنید.

turn off /ˌtɜ:n 'ɑ:f/ **phr. v.**

خاموش کردن

↳ **turn on** /ˌtɜ:n 'ɑ:n/ **phr. v.**

روشن کردن

Please be **quiet**.

لطفاً ساکت باشید.

quiet /'kwaɪət/ **adj.**

آرام، ساکت

Keep off the **grass**.

از چمن دور بمانید (وارد چمن نشوید).

keep off /ˌki:p 'ɑ:f/ **phr. v.** (kept off, kept off)

دور ماندن از؛ دور نگه داشتن از

grass /græs/ **n.**

چمن

You are near a restaurant.

شما نزدیک یک رستوران هستید.

Do not **swim** here.

در این جا شنا نکنید.

swim /swɪm/ **v.** (swam, swum)

شنا کردن

↳ **swimming** /'swɪmɪŋ/ **n.** (uncountable)

شنا

Number the following activities from 1 to 6 **according to** how **frequently** you do them when you learn a **foreign** language.

فعالیت‌های زیر را بر اساس این‌که وقتی که یک زبان خارجی یاد می‌گیرید، چقدر زیاد (مکرراً) آن‌ها را انجام می‌دهید، از ۱ تا ۶ شماره‌گذاری کنید.

number /'nʌmbə/ **n. v.**

عدد؛ تعداد؛ شماره؛ شماره‌گذاری کردن

the following

زیر، موارد زیر، آن‌چه در ادامه آمده

↳ **follow** /'fɒləʊ/ **v.**

دنبال کردن، تعقیب کردن؛ پیروی کردن از

activity /æk'tɪvəti/ **n.**

فعالیت، کار

according to /ə'kɔ:rdɪŋ tu:/ **prep.**

طبق، بر اساس؛ به گفته

frequently /'fri:kwəntli/ **adv.**

مکرراً، به دفعات

↳ **frequent** /'fri:kwənt/ **adj.**

مکرر، فراوان

↳ **frequency** /'fri:kwənsi/ **n.**

تکرار، فراوانی

foreign /'fɔ:rən/ **adj.**

خارجی، بیگانه

↳ **foreigner** /'fɔ:rənər/ **n.**

(فرد) خارجی، بیگانه

reading **storybooks**

خواندن کتاب داستان

storybook /'stɔ:ri:bʊk/ n.

کتاب داستان، کتاب قصه

listening to the **news**

گوش کردن به اخبار

news /nu:z/ n. (uncountable)

خبر؛ اخبار

talking to foreigners

صحبت کردن با افراد خارجی

watching **movies**

تماشا کردن فیلم

movie /'mu:vi/ n. (BrE: film)

فیلم

↳ **the movies** (BrE: the cinema)

سینما

کلمه movie به معنی «فیلم» می‌تواند به شکل مفرد یا جمع استفاده شود، ولی اگر این کلمه به معنی «سینما» باشد، حتماً باید به صورت جمع و همراه با the آورده شود.

surfing the net

گشتن در اینترنت

surf /sɜ:rf/ v.

موج سواری کردن؛ (اینترنت) گشتن در، گشت و گذار کردن در

writing **letters** or emails

نوشتن نامه یا ایمیل

letter /'letər/ n.

نامه؛ (الفبا) حرف

Conversation

PART
2

Pages 19-20

فایل صوتی



Conversation

مکالمه

Babak Saberian is a **translator** who works for IRIB.

بابک صابریان مترجمی است که برای صدا و سیما کار می‌کند.

translator /træns'leɪtər, trænz'leɪtər/ n.

مترجم

↳ **translate** /træns'leɪt, trænz'leɪt/ v.

ترجمه کردن

↳ **translation** /træns'leɪʃən, trænz'leɪʃən/ n.

ترجمه

a **translator** who ...

مترجمی که ...

کلمات wh را قبلاً به عنوان کلمه پرسشی دیده‌ایم؛ مثلاً همین who را به معنی «چه کسی» می‌شناسیم. ولی بعضی از wh ها می‌توانند به عنوان موصول و به معنی «که» هم در جمله استفاده شوند. فعلاً کافی است در این حد بدانیم که این کلمات این نقش را هم می‌توانند داشته باشند تا معنی جملات را درست درک کنیم. با نکات مربوط به این نقش آن‌ها در گرامر درس دوم زبان دوازدهم آشنا خواهیم شد.

IRIB: Islamic Republic of Iran Broadcasting (صدا و سیما) پخش جمهوری اسلامی ایران

republic /rɪˈpʌblɪk/ n. جمهوری

broadcast /ˈbrɔːdkæst/ n. v. (broadcast, broadcast) (برنامه) پخش؛ پخش کردن

Today, he is **hosting** Meysam in his office. امروز، او در دفترش میزبان میثم است.

host /hoʊst/ n. v. میزبان؛ میزبان بودن

↳ **guest** /gest/ n. مهمان

Meysam is a high school student. میثم یک دانش آموز دبیرستان است.

He is **interviewing** Mr. Saberian for his school **project**. او دارد با آقای صابریان برای پروژه مدرسه اش مصاحبه می کند.

interview /ˈɪntəvjuː/ n. v. مصاحبه؛ مصاحبه کردن با

↳ **interviewer** /ˈɪntəvjuːər/ n. مصاحبه کننده

↳ دقت داشته باشیم که کلمه **interview** وقتی که فعل است «مصاحبه کردن با» ترجمه می شود. یعنی مفهوم حرف اضافه «با» را در خود دارد و نباید بعد از آن حرف اضافه بیاوریم. ولی اگر این کلمه اسم باشد، معمولاً با حرف اضافه **with** همراه می شود:

interview sb (NOT interview ~~with/to~~ sb) = have an interview with sb مصاحبه کردن با کسی

project /ˈprɔːdʒekt/ n. پروژه

Meysam: Thank you Mr. Saberian for **inviting** me to your office. میثم: ممنونم آقای صابریان برای دعوت کردن من به دفترتان.

invite /ɪnˈvaɪt/ v. دعوت کردن

Mr. Saberian: **You're welcome!** آقای صابریان: خواهش می کنم!

You're welcome (در پاسخ تشکر) خواهش می کنم

↳ **welcome** /ˈwelkəm/ **intj.** خوش آمدید

Meysam: I **heard** you know three languages. Is that right? میثم: شنیدم که شما سه تا زبان بلد هستید. درست است؟

hear /hɪər/ v. (heard, heard /hɜːrd/) شنیدن

↳ **hearing** /ˈhɪərɪŋ/ n. شنوایی

Mr. Saberian: Well, **actually** four languages. آقای صابریان: خب، در واقع چهار تا زبان.

actually /ˈæktʃʊəli/ **adv.** در واقع؛ واقعاً

↳ **actual** /ˈæktʃʊəl/ **adj.** واقعی

Meysam: Four! Really?! What languages do you know?

میثم: چهار تا! واقعاً؟! چه زبان‌هایی بلد هستید؟

Mr. Saberian: Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well.

آقای صابریان: علاوه بر زبان مادری‌ام فارسی، من انگلیسی، فرانسوی و روسی را به خوبی بلد هستم.

besides /bi'saɪdz/ prep. adv.

علاوه بر؛ علاوه بر این

👉 **beside** /bi'saɪd/ prep.

کنار، پهلو

tongue /tʌŋ/ n.

زبان

👉 **mother tongue**

زبان مادری

🔹 کلمهٔ **tongue** معمولاً به «زبان» به معنی عضوی از بدن که در دهان قرار دارد اشاره می‌کند. برای اشاره به زبان‌های فارسی، انگلیسی و غیره از کلمهٔ **language** به معنی «زبان» استفاده می‌کنیم. کاربرد کلمهٔ **tongue** در معنی **language** خیلی رایج نیست و معمولاً فقط در عبارت‌های خاصی مثل همین عبارت **mother tongue** این کلمه را در این معنی می‌بینیم.

Meysam: Interesting! And when did you learn them?



انگلیسی ۲

Mr. Saberian: I began learning English at school when I was thirteen.

آقای صابریان: من وقتی که سیزده ساله بودم یادگیری انگلیسی را در مدرسه شروع کردم.

Then I began learning French in a language **institute** when I was fifteen.

سپس وقتی که پانزده ساله بودم یادگیری فرانسوی را در یک آموزشگاه زبان شروع کردم.

then /ðen/ adv.

سپس؛ پس

institute /'ɪnstɪtu:t/ n.

مؤسسه، آموزشگاه

And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

و وقتی که در مسکو دانشجوی بودم روسی را یاد گرفتم.

Meysam: Can you use all of them **fluently**?

میثم: می‌توانید از همهٔ آن‌ها به‌طور روان استفاده کنید؟

fluently /'flu:əntli/ adv.

(به‌طور) روان، (به‌طور) سلیس

👉 **fluent** /'flu:ənt/ adj.

روان، سلیس

Mr. Saberian: I know all of them well, but I use English more.

آقای صابریان: همهٔ آن‌ها را به خوبی بلد هستم، ولی از انگلیسی بیشتر استفاده می‌کنم.

کتاب

Meysam: OK. Do you think language learning should start **as early as possible**?

میثم: خیلی خوب. آیا فکر می‌کنید که یادگیری زبان باید تا جایی که ممکن است زود شروع شود؟

possible /'pɑ:səbel/ **adj.**

ممکن؛ احتمالی، محتمل

↳ **impossible** /ɪm'pɑ:səbel/ **adj.**

غیرممکن، ناممکن

↳ **possibly** /'pɑ:səbli/ **adv.**

احتمالاً، شاید

↳ **possibility** /'pɑ:sə'biləti/ **n.**

امکان؛ احتمال

as ... as possible

تا جایی که ممکن است ...

↳ **as early as possible**

تا جایی که ممکن است زود، هرچه زودتر، در اسرع وقت

Mr. Saberian: My **experience** says interest and hard work are really more **important** than age.

آقای صابریان: تجربه من می‌گوید که علاقه و کار زیاد (سخت‌کوشی) واقعاً مهم‌تر از سن هستند.

experience /ɪk'spriəns/ **n. v.**

تجربه؛ تجربه کردن

important /ɪm'pɔ:rtnt/ **adj.**

مهم، بااهمیت

Meysam: Hmm... that's an important **point**.

میثم: اِهم... این نکته مهمی است.

point /pɔɪnt/ **n.**

نکته؛ نقطه

May I know what your **favorite** language is? English, French, or Russian?

ممکن است بدانم که زبان مورد علاقه شما چیست؟ انگلیسی، فرانسوی یا روسی؟

favorite /'feɪvrt/ **adj.** (BrE: favourite)

مورد علاقه، محبوب

Mr. Saberian: **To be honest**, I **enjoy** using them all, but my favorite language is **absolutely** my mother tongue!

آقای صابریان: راستش را بخواهید، من از استفاده کردن از همه آن‌ها لذت می‌برم، ولی زبان مورد علاقه‌ام قطعاً زبان مادری‌ام است!

honest /'ɑ:nɛst/ **adj.**

صادق، راستگو؛ درستکار

↳ **to be honest**

راستش را بخواهی / بخواهید

enjoy /ɪn'dʒɔɪ/ **v.**

لذت بردن از؛ بهره‌مند بودن / شدن از

absolutely /'æbsəlu:tli/ **adv.**

قطعاً؛ کاملاً

Answer the following questions **orally**.

به سؤالات زیر به‌طور شفاهی پاسخ دهید.

orally /'ɔ:reli/ **adv.**

به‌طور شفاهی

Where does Mr. Saberian work?

آقای صابریان کجا کار می‌کند؟

Was Mr. Saberian living in a foreign country when he was 13?

وقتی که آقای صابریان سیزده ساله بود در یک کشور خارجی زندگی می‌کرد؟

How many languages do you know?

شما چند تا زبان بلد هستید؟

فایل صوتی



New Words and Expressions

لغات و اصطلاحات جدید

expression /tk'spreʃən/ n.

اصطلاح، عبارت؛ بیان، ابراز

↪ express /tk'spres/ v. adj. بیان کردن، ابراز کردن؛ (قطار، پست و ...) سریع، سریع‌السير

این زیرمجموعه‌هایی که با فلش مشخص شده‌اند به اندازهٔ بقیهٔ لغات مهم هستند. این کلمات مواردی هستند که در کتاب‌های درسی سال‌های قبل یا در بخش‌های دیگری از کتاب درسی یاددهم به کار رفته‌اند. برای یادگیری بهتر، هم خانواده‌ها یا موارد مشابه در کنار هم آورده شده‌اند. معانی مختلفی که برای هر لغت ارائه شده هم در بخش‌های مختلف کتاب‌های درسی به کار رفته‌اند. به عنوان مثال، همین کلمهٔ express که به عنوان زیرمجموعهٔ اسم expression در این قسمت آورده شده، در کتاب‌های درسی سال‌های قبل، هم به عنوان فعل و به معنی «بیان کردن، ابراز کردن» به کار رفته و هم به عنوان صفت و به معنی «سریع، سریع‌السير». بنابراین تمام این معانی داخل کتاب محسوب می‌شوند و باید آن‌ها را بدانیم.

Look, read and practice.

نگاه کنید، بخوانید و تمرین کنید.

practice /'præktɪs/ n. v.

تمرین؛ تمرین کردن

Mazandaran is one of the best farming regions of Iran.

مازندران یکی از بهترین مناطق کشاورزی ایران است.

farming /'fɑ:rmɪŋ/ n. (uncountable)

کشاورزی

↪ farm /fa:rm/ n. v.

مزرعه؛ کشاورزی کردن

↪ farmer /'fɑ:rmə/ n.

کشاورز

region /'ri:dʒən/ n.

منطقه، ناحیه

Asia is the largest continent of the world.

آسیا بزرگ‌ترین قارهٔ جهان است.

continent /'kɑ:ntɪnənt/ n.

قاره

این بعد از صفات عالی the largest در این جمله و the best در جملهٔ قبل، برای اشاره به مکان‌هایی مثل جهان و ایران، اصولاً باید از حرف اضافهٔ in استفاده کنیم، نه of. بنابراین در این جمله و جملهٔ قبل، به جای عبارت‌های of the world و of Iran که در انتهای جملات آورده شده، بهتر بود از عبارت‌های in the world و in Iran استفاده شود. در کتاب‌های درسی، هم شکل درست این عبارت‌ها آورده شده و هم شکل اشتباه‌شان!

Does water really exist on Mars?

آیا واقعاً در مریخ آب وجود دارد؟

exist /ɪg'zɪst/ v.

وجود داشتن؛ زنده ماندن

on Mars

در مریخ، روی مریخ

این دقت کنیم که برای اسم سیاره‌ها مثل Earth (زمین) یا Mars (مریخ) و یا خود کلمهٔ planet (سیاره) باید از حرف اضافهٔ on استفاده کنیم، نه in.

Spanish is Diego's **native** language.

اسپانیایی زبان مادری دیگو است.

native /'neɪtv/ *adj.*

بومی؛ (زبان) مادری

↳ **native language** (= mother tongue)

زبان مادری

↳ **native speaker**

سخنگوی بومی

قیمت‌های واژه‌نامه از پنج دلار تا پانزده دلار متغیر هستند. Dictionary **prices range** from \$5 to \$15.

price /praɪs/ *n.*

قیمت، بها

range /reɪndʒ/ *n. v.*

محدوده، طیف؛ متغیر بودن، نوسان داشتن

↳ **range (in sth) from A to B**

(از لحاظ چیزی) از A تا B متغیر بودن / نوسان داشتن

↳ **a (wide) range of**

انواع، انواع مختلف، طیف وسیعی از

Rice is the most **popular** food in Iran.

برنج پرطرفدارترین غذا در ایران است.

rice /raɪs/ *n. (uncountable)*

برنج

popular /'pɒ:pjələ/ *adj.*

پرطرفدار، محبوب

Today, less than 40 **percent** of people live in **villages**.

امروزه، کمتر از ۴۰ درصد از مردم در روستاها زندگی می‌کنند.

percent /pər'sent/ *n. adj. adv. (BrE: per cent)*

درصد

village /'vɪlɪdʒ/ *n.*

روستا، ده

Imagine you are **traveling** in **space**.

تصور کنید که در حال سفر کردن در فضا هستید.

imagine /ɪ'mædʒɪn/ *v.*

تصور کردن؛ خیال کردن

travel /'trævel/ *n. v.*

سفر؛ سفر کردن

↳ **traveler** /'trævelər/ *n. (BrE: traveller)*

مسافر، سفرکننده

↳ موقع اضافه کردن ing یا ed به انتهای فعل travel، بریتانیایی‌ها حرف آخر این فعل را تکرار می‌کنند و آن را به صورت travelling و travelled می‌نویسند، ولی آمریکایی‌ها حرف آخر این فعل را تکرار نمی‌کنند و آن را به شکل traveling و traveled به کار می‌برند. تفاوت بین انگلیسی بریتانیایی و آمریکایی برای ما مهم نیست؛ فقط بدانیم که هر کدام از این حالت‌ها را در جمله ببینیم یا بنویسیم، درست است.

space /speɪs/ *n.*

فضا؛ جا، جای خالی؛ فاصله

Scientists say that **by** 2050, **wind power** can **meet** the needs of the world.

دانشمندان می‌گویند که تا سال ۲۰۵۰، انرژی بادی می‌تواند نیازهای جهان را برآورده کند.

scientist /'saɪəntɪst/ *n.*

دانشمند

↳ **science** /'saɪəns/ *n.*

علم؛ (درس) علوم

by /baɪ/ *prep.*

(برای زمان) تا، تا قبل از

wind power

انرژی بادی

👉 **windy** /'wɪndi/ **adj.**

(هوا) بادی

👉 حواسمان باشد که کلمه windy برای اشاره به «هوای بادی» استفاده می‌شود و در ترکیباتی مثل «انرژی بادی، ماشین بادی و غیره» از خود کلمه wind استفاده می‌کنیم، نه windy.

meet /mi:t/ **v.** (met, met)

ملاقات کردن؛ (نیاز) برآورده کردن

We are living in the twenty-first **century**.

ما داریم در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم.

century /'sentʃəri/ **n.**

قرن

Our teacher tried to **explain** the new word **by means of** sign language.

معلم‌مان سعی کرد که آن لغت جدید را از طریق زبان اشاره توضیح بدهد.

explain /ɪk'spleɪn/ **v.**

توضیح دادن

by means of

به وسیله، از طریق

👉 **means** /mi:nz/ **n.** (pl: means)

وسیله، راه، روش

👉 **mean** /mi:n/ **v.** (meant, meant)

معنی داشتن، یعنی؛ منظور داشتن

👉 **meaning** /'mi:nɪŋ/ **n.**

معنی، مفهوم

👉 کلمه means علاوه بر این‌که می‌تواند فعل mean با S سوم شخص مفرد باشد، می‌تواند مثل این جمله کتاب درسی، خودش یک اسم به معنی «وسیله، راه، روش» باشد. دقت کنیم که S که در انتهای این اسم آمده به خاطر جمع بودن آن نیست. شکل مفرد و جمع این اسم یکسان است و هر دو به صورت means نوشته می‌شوند.

Read and practice.

بخوانید و تمرین کنید.

society: a large group of people who live **together**

جامعه؛ گروه بزرگی از افراد که با هم زندگی می‌کنند

We live in an Islamic **society**.

ما در یک جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم.

society /sə'saɪəti/ **n.**

جامعه، اجتماع

together /tə'geðər/ **adv.**

با هم

ability: the **physical** or **mental** power or **skill** to do something

توانایی؛ قدرت یا مهارت جسمی یا ذهنی برای انجام کاری

Human's ability to talk makes him **different from** animals.

توانایی انسان در صحبت کردن او را با حیوانات متفاوت می‌کند.

ability /ə'biləti/ **n.**

توانایی

physical /'fɪzɪkəl/ **adj.**

جسمی، بدنی؛ فیزیکی

👉 **physically** /'fɪzɪkli/ **adv.**

از لحاظ جسمی، از لحاظ بدنی؛ از لحاظ طبیعی

mental /'mentəl/ **adj.**

ذهنی؛ روانی

skill /skɪl/ **n.**

مهارت

human /'hju:mən/ **n.** (or human being) (pl: humans, human beings)

انسان، آدم

different /'dɪfrənt/ **adj.** (+ from/to/than)

متفاوت؛ مختلف

vary: to be different from **each other**

تفاوت داشتن؛ متفاوت بودن با یکدیگر

In some cities, prices vary from shop to shop.

در بعضی از شهرها، قیمت‌ها از مغازه به مغازه متفاوت هستند.

vary /'veri/ **v.**

تفاوت داشتن، متفاوت بودن

↳ **variation** /,veri'eɪʃən/ **n.**

تنوع، گوناگونی

each other /i:tʃ 'ʌðər/ **pron.**

یکدیگر، همدیگر

make up: to form a thing, **amount** or number

تشکیل دادن؛ شکل دادن یک چیز، مقدار یا تعداد

China makes up 18% of the world's **population**.

چین هجده درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد.

make up /,meɪk 'ʌp/ **phr. v.** (made up, made up)

تشکیل دادن

amount /ə'maʊnt/ **n.**

مقدار، میزان

population /,pɔ:pjə'leɪʃən/ **n.**

جمعیت

despite: without taking any **notice** of

علی‌رغم؛ بدون هیچ توجهی کردن به

I enjoy the weekend, despite the bad **weather**.

من از آخر هفته لذت می‌برم، علی‌رغم هوای بد.

despite /di'spaɪt/ **prep.**

علی‌رغم؛ با وجود

↳ دقت داشته باشیم که کلمه **despite** یک حرف اضافه است و بعد از آن یک اسم یا عبارت می‌آید؛ یعنی

هیچ وقت نباید بعد از این کلمه یک جمله کامل (فاعل و فعل و غیره) بیاوریم؛

despite the rain (NOT despite ~~it rained~~)

علی‌رغم باران

despite his illness (NOT despite ~~he was ill~~)

علی‌رغم بیماری‌اش

notice /'nəʊtɪs/ **n. v.**

اطلاعیه؛ تابلو؛ توجه؛ توجه کردن؛ متوجه شدن

↳ **take notice (of)**

توجه کردن (به)

weather /'weðər/ **n.** (uncountable)

هوا، آب و هوا

پرفروش‌ترین
کتاب‌های
امتحان
نهایی



انگلیسی ۲

پایه یازدهم
مشترک همه رشته‌ها

مؤلف

ارشاد عظیمی

فرمول
لیست

با توجه به اهمیت امتحان نهایی در قبولی دانشگاه، تصمیم گرفتیم کتابی ویژه امتحان نهایی تألیف کنیم که تمامی ابزارهای مورد نیاز دانش‌آموز برای کسب بهترین نمره ممکن را در اختیار او قرار دهد و به معنای واقعی، «فرمول بیست» باشد. در تألیف این کتاب، سعی کردیم پیش‌نیازی برای دانش‌آموز در نظر نگیریم و تمام بخش‌ها را از ساده‌ترین تا پیشرفته‌ترین نکات توضیح دهیم. اکثر سؤالات امتحان نهایی ساده یا متوسط هستند. ولی به منظور ایجاد رقابت و تفکیک دانش‌آموزان، چند سؤال دشوار هم در امتحان طرح می‌شود که جواب دادن به آن‌ها برای کسب رتبه‌های عالی واجب است. مشخص نیست که این چند سؤال دشوار قرار است در کدام بخش و از کدام درس باشند و هر سال هم می‌تواند نسبت به سال قبل متفاوت باشد. بنابراین سعی کردیم در تمام بخش‌های درس، بعد از پوشش کامل نکات ساده و متوسط، آمادگی لازم برای مواجهه با سؤالات خاص را هم در دانش‌آموز ایجاد کنیم.

با توجه به اهمیت کتاب درسی در امتحان نهایی، بخش‌بندی این کتاب بر اساس بخش‌بندی کتاب درسی انجام شده است. به این ترتیب، این کتاب به ۳۰ بخش کوچک تقسیم شده است که معلم یا دانش‌آموز می‌تواند متناسب با پیشروی درس در هر جلسه مطالعاتی، هر بار یک یا چند بخش را در برنامه درسی بگنجاند. تمام بخش‌ها با تمرین وازگان شروع شده‌اند که به دو قسمت «سؤالات وازگان مستقل این بخش» و «سؤالات وازگان ترکیبی با قبل» تقسیم شده‌اند. بخش «سؤالات وازگان مستقل این بخش» برای تمرین قدم به قدم وازگان آورده شده است. بخش «سؤالات وازگان ترکیبی با قبل» سه هدف مهم دارد. هدف اول، مرور وازگان است که اهمیت خیلی زیادی در یادگیری وازگان دارد. هدف دوم، بهبود کیفیت سؤالات است که با جامع‌تر شدن وازگان و طرح سؤالات ترکیبی میسر می‌شود. هدف سوم هم پوشش کامل وازگان درس است. تعداد لغات بخش‌های مختلف یکسان نیست، ولی به منظور ایجاد نظم در تمرینات کتاب، تعداد سؤالات وازگان تمام بخش‌ها یکسان آورده شده است. در بخش سؤالات ترکیبی، از بخش‌هایی که لغات بیشتری دارند، سؤالات بیشتری طرح شده تا تمام لغات درس در قالب سؤالات وازگان تمرین شوند. در بخش‌هایی که مبحثی غیر از وازگان در آن‌ها مطرح است (درک مطلب، گرامر، مهارت شنیداری و نگارش)، مبحث مربوطه بعد از سؤالات وازگان آن بخش به‌طور کامل پوشش داده شده است. این بخش‌بندی متناسب با کتاب درسی، موجب سادگی استفاده از این کتاب چه در کلاس درس و چه به صورت خودآموز می‌شود.

در تمرینات بخش‌های مختلف این کتاب سعی کردیم تا حد امکان از وازگانی که فعلاً در کتاب یازدهم خوانده نشده‌اند استفاده نکنیم. مهم‌تر این‌که، سعی کردیم در صورت سؤالات تا حد امکان از لغات مهم سال‌های قبل که در کتاب درسی یازدهم تکرار نشده‌اند استفاده کنیم تا این لغات برای دانش‌آموز مرور شوند. لغات سال‌های قبل پیش‌نیاز یازدهم محسوب می‌شوند و ممکن است در امتحان، حداقل در صورت سؤالات به شکل تأثیرگذاری مورد استفاده قرار بگیرند. البته وجود لغات ناآشنا و خارج از کتاب در متن‌های بخش‌های درک مطلب و مهارت شنیداری، طبیعی است و دانش‌آموز باید بدون در نظر گرفتن این لغات به سؤالات پاسخ دهد تا تمرین کافی برای درک مفهوم کلی متن داشته باشد. بدون در نظر گرفتن متن‌ها، هر لغتی که در صورت سؤالات، مخصوصاً سؤالات وازگان به کار رفته، جزو لغات مورد نیاز دانش‌آموز است. لیستی از این لغات پیش‌نیاز در ابتدای کتابچه وازگان آورده شده است.

سؤالات این کتاب را از لحاظ سطح دشواری سطح‌بندی نکردیم چون معتقدیم که نیمی از چالشی که دانش‌آموز با آن روبه‌روست، تشخیص سؤالات دشوار و نکته‌دار است. در تمام امتحانات و آزمون‌ها، سؤالات چالشی در لابه‌لای سؤالات ساده پنهان می‌شوند و در ظاهر مشابه آن‌ها به نظر می‌رسند. دانش‌آموز باید در پاسخ‌گویی به تمام سؤالات دقت لازم را داشته باشد تا بتواند این سؤالات را تشخیص دهد و زمان و تمرکز بیشتری را صرف آن‌ها کند. اگر سؤالی را تحت عنوان سؤال چالشی یا نکته‌دار مشخص کنیم، امکان تمرین برای کسب این مهارت را از دانش‌آموز دریغ کرده‌ایم. بنابراین پیشنهاد ما این است که سؤالات همه سطوح به صورت درهم‌ریخته جواب داده شوند. ولی اگر به هر دلیلی دانش‌آموزی نیاز به سطح‌بندی نکات و سؤالات گرامر و نگارش داشته باشد، می‌تواند با استفاده از لیستی که در ابتدای سؤالات هر بخش گرامر آورده شده، سؤالات سطح مورد نیاز خود را پیدا کند.

اعتقاد ما بر این است که آموزش، بدون رفع اشکال، ناقص است. با این دید، بیش از نیمی از زمانی که برای تألیف این کتاب گذاشته شده، صرف نوشتن پاسخ‌های تشریحی جامع شده است. سعی کردیم تمام مشکلات و خطاهای احتمالی را پیش‌بینی کنیم و به‌طور دقیق آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم تا اگر دانش‌آموز در بخشی دچار اشتباه شد، با مراجعه به پاسخ‌های تشریحی، از تکرار آن اشتباه جلوگیری شود. بنابراین پیشروی قدم به قدم با پاسخ‌نامه این کتاب، تسلط کاملی را برای دانش‌آموز ایجاد می‌کند.

موفق و پیروز باشید
ارشاد عظیمی

CONTENTS

LESSON ONE

7 PART 1 Introduction and Get Ready	8 PART 2 Conversation	10 PART 3 New Words and Expressions	12 PART 4 Reading and Reading Comprehension	22 PART 5 Vocabulary Development
24 PART 6 Grammar	43 PART 7 Listening and Speaking +Pronunciation	48 PART 8 Writing	58 PART 9 What You Learned	60 PART 10 Workbook

LESSON TWO

64 PART 1 Introduction and Get Ready	66 PART 2 Conversation	68 PART 3 New Words and Expressions	70 PART 4 Reading and Reading Comprehension	80 PART 5 Vocabulary Development
82 PART 6 Grammar	96 PART 7 Listening and Speaking +Pronunciation	101 PART 8 Writing	109 PART 9 What You Learned	111 PART 10 Workbook

LESSON THREE

114 PART 1 Introduction and Get Ready	116 PART 2 Conversation	118 PART 3 New Words and Expressions	120 PART 4 Reading and Reading Comprehension	130 PART 5 Vocabulary Development
132 PART 6 Grammar	143 PART 7 Listening and Speaking +Pronunciation	148 PART 8 Writing	160 PART 9 What You Learned	162 PART 10 Workbook

165 ANSWERS	271 WORKBOOK ANSWERS	283 FINAL EXAMS
-----------------------	-----------------------------------	------------------------------

PART

1

Introduction and Get Ready

PAGES: 5-18

بدون خواندن کتابچه واژگان ورود ممنوع

(الف) با توجه به تصاویر، مشخص کنید کدام جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است.)



1.



2.



3.

- a. There is a parking lot around.
- b. They asked us not to walk on the grass.
- c. Swimming in this part of the river is dangerous.
- d. Little children like to look at the pictures in storybooks.

(ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (در هر بخش یک کلمه اضافی است.)

available

written

familiar

extra

frequent

- 4. We made trips to the town where my grandparents lived.
- 5. Are you with the computer software they use?
- 6. There are plenty of jobs in that area.
- 7. If you are cold, you can take a/an blanket.

create

communicate

choose

turn

keep

- 8. The doctor told him to try to off fatty foods.
- 9. They say that closing this road will a lot of problems.
- 10. You should your words carefully as you speak to older people.
- 11. People use more than words when they with each other.

(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

A

- 12. He used **sign language** to ask for food.
- 13. Bruce spends most evenings **surfing** the Net.
- 14. She asked us to **match** the pictures with the sentences.

B

- a. to spend time visiting a lot of websites
- b. a sports event between two teams or people
- c. a system of hand movements used for communication
- d. to put two similar things together

A

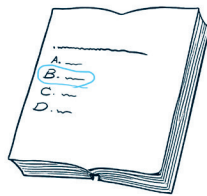
- 15. He did not have much **knowledge** of history.
- 16. Our office is **above** the supermarket.
- 17. Don't forget to **turn off** the computer before leaving.

B

- a. at a higher place than something else
- b. the information or understanding that you have
- c. to make something such as a machine start working
- d. to make something such as a machine stop working

18. The book has plenty of ideas for classroom
a) creations b) activities c) interests d) signs
19. The area is a/an site for many Muslims. They show a lot of respect for it.
a) holy b) interested c) extra d) heaven
20. You need some in the way you study. You've used the same method for too long.
a) choice b) frequency c) meaning d) variation
21. Everything went to plan, and we arrived on time.
a) surfing b) forming c) according d) following

(ث) با توجه به تصاویر، کلمات ناقص را کامل کنید. (هر خط تیره نشانگر یک حرف است.)



22.



23.

22. I _____ the correct answer and showed it to my friend.
23. She asked us to be _____ while the baby was sleeping.

(ج) جاهای خالی را با دانش واژگانی خود کامل کنید. (با توجه به حروف مشخص شده و تعداد خط چین ها)

24. When we say somebody is d _ _ _ , we mean they cannot hear anything.
25. If you learn a f _ _ _ _ _ language, you can talk to people who are from another country.

PART

2

Conversation

PAGES: 19-20

از این بخش به بعد، سؤالات واژگان به دو دسته تقسیم شده‌اند: دسته اول سؤالات مستقل هر بخش هستند که فقط با واژگان همان بخش طرح شده‌اند. دسته دوم سؤالات ترکیبی با قبل هستند که بر اساس واژگان همان بخش به علاوه تمام واژگان بخش‌ها و درس‌های قبل طرح شده‌اند. مزیت این سؤالات ترکیبی این است که باعث می‌شود واژگان قبلی مرور شوند و علاوه بر این، رفته رفته با جامع‌تر شدن واژگان، کیفیت سؤالات بالاتر می‌رود.

سؤالات واژگان مستقل این بخش

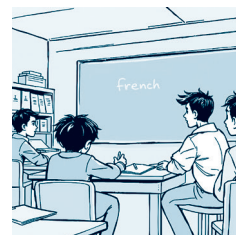
(الف) با توجه به تصاویر، مشخص کنید کدام جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است.)



26.



27.



28.

- a. I had an important guest in my office today.
- b. She usually reads novels in her free time.
- c. He is learning French in a language institute.
- d. She is translating a book from English into Persian.

(ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

point

host

experience

enjoy

project

29. In my , very few people really understand the problem.
30. Do you cooking or do you just do it because you have to?
31. Which country is going to the next World Cup?
32. A team has been working on the for three years.

(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

	A	B
33.	They invited me to go to Paris with them.	a. fast but in a careful way
34.	We should answer the questions orally .	b. in spoken words, not in writing
35.	We interviewed ten people for the job.	c. to talk to somebody and ask them questions
		d. to ask someone to go somewhere or do something

(ت) جاهای خالی را با دانش واژگانی خود کامل کنید. (با توجه به حروف مشخص شده و تعداد خطچین‌ها)

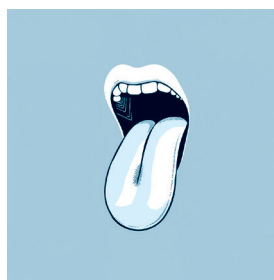
36. My friend lives in Canada, so he can speak English **f** _ _ _ _ _ .
37. To be **h** _ _ _ _ _ , I don't like this food very much.

سوالات واژگان ترکیبی با قبل

(الف) با توجه به تصاویر، کلمات ناقص را کامل کنید. (هر خط تیره نشانگر یک حرف است.)



38.



39.

38. IRIB is short for Islamic Republic of Iran _ _ _ _ _ .
39. She was born in Spain, so her mother _ _ _ _ _ is Spanish.

(ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

frequently

actually

verily

possibly

absolutely

40. It will take three weeks to finish this job, longer.
41. Are you sure you saw him talking on the phone?
42. Buses run between the city and the airport.
43. I didn't see her. I just heard her voice.

(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

A	B
44. He works as a translator for an international company.	a. someone who changes words into another language
45. You must answer the following questions carefully.	b. to go after somebody or something
46. The children were busy reading their favorite book.	c. someone or something that you like the most
	d. the things you are going to talk about

(ت) گزینه صحیح را انتخاب کنید.

47. The teacher says that we need to start reading the book as early as
a) important b) possible c) interesting d) available
48. Do you play any other sports football and basketball?
a) beside b) besides c) above d) according to
49. Everyone knows that the red light that you must stop.
a) communicates b) hosts c) means d) invites
50. I like John's about needing to change a few things around here.
a) point b) knowledge c) activity d) variation

PART

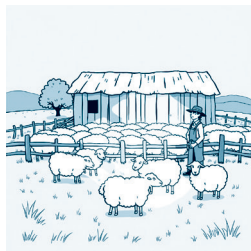
3

New Words and Expressions

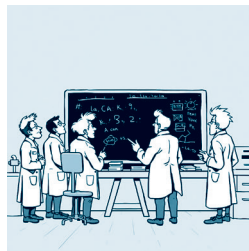
PAGES: 21-23

سؤالات واژگان مستقل این بخش

(الف) با توجه به تصاویر، مشخص کنید کدام جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است.)



51.



52.



53.

- a. The people living in that village are very kind to each other.
b. Many scientists around the world are trying to solve that problem.
c. Most of their money comes from farming and raising animals.
d. Twenty percent of the city's energy comes from wind power.

(ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

expressions

regions

abilities

practices

notice

54. Men and women have different needs, interests and
55. I asked him to drive more slowly, but he didn't take any
56. The people in the two speak very differently and may not understand each other well.
57. He uses a lot of difficult and most of the time, I don't understand what he says.

(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

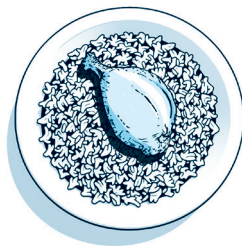
A	B
58. There are seven continents in the world.	a. a large group of people who live together
59. The future of society is in the hands of mothers.	b. all the people who speak the same language
60. India has a population of more than one billion.	c. one of the large areas of land that are divided into many countries
	d. the number of people who live in a place

(ت) جاهای خالی را با دانش واژگانی خود کامل کنید. (با توجه به حروف مشخص شده و تعداد خطچین‌ها)

61. She speaks English fluently, but it's not her **n** — — — — language. She has learned it as a foreign language.
62. We traveled around Europe by **m** — — — — of cars and trains.

سؤالات واژگان ترکیبی با قبل

(الف) با توجه به تصاویر، کلمات ناقص را کامل کنید. (هر خط تیره نشانگر یک حرف است.)



63.



64.

63. We all had chicken with — — — — for lunch.
64. Life in the 19th — — — — — was very different from what it is now.

(ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

meet

exist

interest

express

explain

65. The biggest problems in the poorer regions of the country.
66. The lesson was too difficult, so they asked the teacher to it again.
67. The water won't the needs of that large city's population.
68. The museum has something to everyone, young and old.

(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

A	B
69. She likes talking to foreigners a lot.	a. someone or something that you like the most
70. These flowers vary in color and size.	b. someone or something that many people like
71. Coffee is the most popular drink in the world.	c. someone who comes from another country
	d. to be different from each other

ت) گزینه صحیح را انتخاب کنید.

72. These books are for children who in age from 10 to 12.
a) imagine b) enjoy c) range d) interview
73. I had a complete picture of the building I wanted to build.
a) fluent b) familiar c) frequent d) mental
74. Children need to things for themselves in order to learn from them.
a) experience b) surf c) travel d) broadcast
75. There's been a lot of variation in the lately. Sometimes it has been cold and sometimes hot.
a) weather b) price c) space d) republic

PART

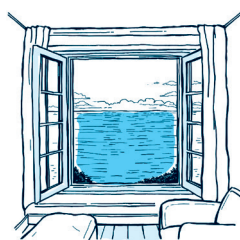
4

Reading and Reading Comprehension

PAGES: 24-26

سؤالات واژگان مستقل این بخش

الف) با توجه به تصاویر، مشخص کنید کدام جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است.)



76.



77.



78.

- a. She took her first steps when she was eleven months old.
b. There are more than 1300 languages in Oceania.
c. The police are looking for the man who stole the car.
d. We have a clear view of the ocean from our hotel window.

ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

scan

respect

correct

valuable

specific

79. There was no plan in my mind. I just went there to see what happens.
80. She is a member of the team. I don't think we can play without her.
81. I think that your friends will you for doing the right thing.
82. She asked me to read the text and any mistakes that I find.

پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (درستون B یک تعریف اضافی است.)

	A
83.	The two teams exchanged shirts after the game.
84.	He uses phrases that I have never heard before.
85.	The words Jane and Africa are proper nouns .

	B
a.	a group of words that are used together and can be part of a sentence
b.	to become different, or to make something become different
c.	to give something to someone and receive something from them
d.	a word that is the name of a person, a thing, a place, etc.

درس نامه گرامر زمان حال کامل

زمان حال کامل که موضوع این درس است، زمان خیلی مهمی است. علاوه بر این که در امتحان نهایی امسال مطمئناً از این زمان استفاده می‌شود، در تمام درس‌های سال دوازدهم هم به آن نیاز خواهیم داشت. در واقع از الان تا آخر دوره دبیرستان با این زمان سر و کار داریم. پس بهتر است همین حالا خیالمان را راحت کنیم و این زمان خیلی مهم را خیلی خوب یاد بگیریم. در این درس هم مثل درس قبل، سطح‌بندی نکات در تیتراژ مشخص شده تا هر دانش‌آموزی بتواند تا سطحی که برایش مناسب است پیش برود. در بخش See Also این درس، یک مبحث ساده و غیرگرامری که در بخش گرامر کتاب درسی آمده را با هم بررسی می‌کنیم.

elementary

مقدماتی

مرور زمان‌ها

مبحث زمان‌ها به طور پراکنده در کتاب‌های درسی سال‌های مختلف آورده شده است. این مبحث تا درس آخر سال دوازدهم ادامه خواهد داشت. قبل از این که زمان جدیدی که در این درس آمده را بخوانیم، بهتر است نیم‌نگاهی به زمان‌هایی که قبلاً با آن‌ها آشنا شده‌ایم بیندازیم. در سؤالات این درس، تا حدی که نیاز داریم، نکات و کاربردهای این زمان‌ها را مرور و مقایسه می‌کنیم.

زمان	ساختار	کاربرد	مثال
حال ساده	شکل ساده فعل (سوم شخص مفرد با s)	حقایق کلی، عادت‌ها، برنامه‌های ثابت	<u>She walks to school every day.</u> او هر روز پیاده به مدرسه می‌رود.
گذشته ساده	شکل گذشته فعل (با ed یا بی‌قاعده)	عملی که در گذشته انجام شده و تمام شده	<u>I visited my grandmother yesterday.</u> من دیروز به مادربزرگم سر زدم.
حال استمراری	am/is/are + ing	عملی که همین حالا در حال انجام است	<u>I am studying for the exam.</u> من دارم برای امتحان درس می‌خوانم.
گذشته استمراری	was/were + ing	عملی که در بازه‌ای از زمان در گذشته در حال انجام بوده است	<u>I was studying when you called me.</u> وقتی با من تماس گرفتی داشتم درس می‌خواندم.
آینده با will	فعل ساده + will	اشاره کلی، قصد آتی، پیش‌بینی بر اساس نظر شخصی	<u>I will call you later.</u> بعداً با تو تماس می‌گیرم.
آینده با be going to	فعل ساده + be going to	قصد کاری با تصمیم قبلی، پیش‌بینی بر اساس شواهد بیرونی	<u>He is going to visit Yazd next week.</u> او قرار است هفته بعد از یزد دیدن کند.

elementary

مقدماتی

ساختار حال کامل

زمان حال کامل در انگلیسی تا حدی معادل زمان ماضی نقلی در فارسی است (رفته‌ام، دیده‌ای، شنیده است و غیره). البته تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد که بعد از آشنایی با ساختار این زمان، به آن‌ها اشاره می‌کنیم. ساختار زمان حال کامل have/has + p.p. است. برای ساختن یک فعل حال کامل، اول با توجه به فاعل جمله، یکی از افعال کمکی have یا has را می‌آوریم و بعد از آن، فعل اصلی را به شکل اسم مفعول (p.p.) به کار می‌بریم. برای تبدیل یک فعل به اسم مفعول، باید بدانیم که آن فعل با قاعده است یا بی‌قاعده:

● در مورد افعال بی‌قاعده، اسم مفعول، همان شکل سوم فعل است که مثل شکل گذشته آن‌ها، حفظ کردنی است. لیست کاملی از افعال بی‌قاعده مورد نیاز مادر انتهای کتابچه وازگان آورده شده است. به عنوان مثال، حالت گذشته فعل بی‌قاعده write به شکل wrote و اسم مفعول آن به شکل written ساخته می‌شود: They have written a lot of books. آن‌ها کتاب‌های زیادی نوشته‌اند.

● اگر لیست افعال بی‌قاعده را حفظ باشیم، هر فعلی که در آن نیامده باشد، باقاعده است. در مورد افعال باقاعده، اسم مفعول مثل شکل گذشته، با اضافه کردن ed به انتهای فعل ساخته می‌شود. به عنوان مثال، اسم مفعول فعل باقاعده talk، مثل شکل گذشته آن، به صورت talked ساخته می‌شود: او قبلاً با آن‌ها صحبت کرده است. He has talked to them before.

منفی و سؤالی

برای منفی یا سؤالی کردن فعل حال کامل، مثل هر فعل دیگری، با بخش کمکی آن کار داریم. برای منفی کردن این فعل، به have یا has یک not یا n't اضافه می‌کنیم. برای سؤالی کردن آن هم جای have یا has را با فاعل عوض می‌کنیم:

- آن‌ها کتاب‌های زیادی ننوشته‌اند. (–) They have not (haven't) written a lot of books.
 آیا آن‌ها کتاب‌های زیادی نوشته‌اند؟ (?) Have they written a lot of books?
 آیا آن‌ها کتاب‌های زیادی ننوشته‌اند؟ (–?) Haven't they written a lot of books?
 او قبلاً با آن‌ها صحبت نکرده است. (–) He has not (hasn't) talked to them before.
 آیا او قبلاً با آن‌ها صحبت کرده است؟ (?) Has he talked to them before?
 آیا او قبلاً با آن‌ها صحبت نکرده است؟ (–?) Hasn't he talked to them before?

شکل مخفف

همان‌طور که دیدیم، افعال have و has در ساختار حال کامل، نقش «فعل کمکی» را دارند و بعد از آن‌ها یک اسم مفعول (p.p.) آورده می‌شود. در این حالت، می‌توانیم این افعال کمکی را به شکل مخفف و به صورت 've و 's بنویسیم:

I have seen this movie twice. → ✓ I've seen this movie twice. من این فیلم را دو بار دیده‌ام.

She has begun to study French. → ✓ She's begun to study French. او شروع کرده است به مطالعه کردن فرانسوی.

● حواسمان باشد که افعال have و has فقط در نقش «فعل کمکی» و در ساختار حال کامل می‌توانند مخفف شوند. اگر این افعال نقش «فعل اصلی» را داشته باشند و خودشان به معنی «داشتن» یا «خوردن» به عنوان فعل معنی‌دار جمله به کار بروند، در انگلیسی امروزی نمی‌توانیم آن‌ها را به شکل مخفف بنویسیم. پس شکل کوتاه‌شده مثال‌های زیر اشتباه است:

You have a lot of good friends. → ✗ You've a lot of good friends. تو دوستان خوب زیادی داری.

He has lunch at work every day. → ✗ He's lunch at work every day. او هر روز سر کار ناهار می‌خورد.

elementary

کاربرد حال کامل

مقدماتی

برای این‌که در مورد کاربرد زمان حال کامل با مشکلی مواجه نشویم، دو نکته مهم را در مورد این زمان باید همیشه در ذهن داشته باشیم:

- نکته اول این‌که باید اسم این زمان را درست بگوییم. معادل فارسی این زمان «ماضی نقلی» است، ولی در انگلیسی به این زمان Present Perfect یعنی «حال کامل» گفته می‌شود؛ یعنی در انگلیسی این زمان حال محسوب می‌شود، نه گذشته. اگر به این زمان بگوییم ماضی نقلی، ممکن است در بعضی سؤالات، زمان جمله را اشتباه انتخاب کنیم. این اشتباه بیشتر می‌تواند در گرامر سال دوازدهم مشکل ایجاد کند. به هر حال بهتر است از حالا اسم این زمان را درست یاد بگیریم.
- نکته دوم این‌که در مورد این زمان مهم است این است که انتخاب آن نباید صرفاً از روی ترجمه انجام شود. در کل، در مورد زمان‌های کامل خیلی وقت‌ها ممکن است مجبور شویم از زمان‌های دیگری در ترجمه استفاده کنیم. پس باید به کاربرد آن‌ها توجه کنیم، نه صرفاً ترجمه فعل جمله. به مثال‌هایی که در ادامه می‌بینیم توجه کنید تا بهتر متوجه غیرترجمه‌ای بودن زمان حال کامل شوید.

دو کاربرد مهم: همان‌طور که گفتیم، باید به جای ترجمه، روی کاربرد زمان حال کامل تمرکز کنیم. این زمان دو کاربرد اصلی دارد. به دو مفهوم این جمله انگلیسی توجه کنید:

I have studied English for ten years. من به مدت ده سال انگلیسی خوانده‌ام.

۱ اشاره به عملی که در گذشته شروع شده و تا حال ادامه دارد:

یعنی ده سال پیش شروع به خواندن انگلیسی کرده‌ام و هنوز هم می‌خوانم. در فارسی شاید بهتر باشد از زمان دیگری استفاده کنیم و بگوییم: ده سال است که دارم انگلیسی می‌خوانم. به خاطر همین است که می‌گوییم این زمان غیرترجمه‌ای است.

۲ اشاره به عملی که در گذشته شروع و تمام شده و آثار حال آن مدنظر است:

یعنی در گذشته ده سال انگلیسی خوانده‌ام و دیگر نمی‌خوانم، ولی انگلیسی بلدم. مثلاً این‌که کسی می‌گوید می‌توانی این جمله را برای من ترجمه کنی؟ من در جواب می‌گویم: بله، من ده سال انگلیسی خوانده‌ام. یعنی روی آثار حال عمل گذشته تأکید داریم که الان انگلیسی بلدم.

● پس به طور خلاصه می‌توانیم بگوییم که تأکید هر دو کاربرد زمان حال کامل روی «حال» است؛ این که یک عمل گذشته، خود آن تا «حال» ادامه دارد یا آثار «حال» آن مدنظر است. برای درک بهتر مفهوم زمان حال کامل، به مثال‌های زیر دقت کنید. سه مثال اول مربوط به کاربرد اول و سه مثال بعدی مربوط به کاربرد دوم زمان حال کامل هستند:

I have lived in this city my whole life.

من تمام عمرم را در این شهر زندگی کرده‌ام.

We have used this car for about one year now.

ما الان حدود یک سال از این ماشین استفاده کرده‌ایم.

Have you been close friends since childhood?

شما از کودکی دوستان صمیمی بوده‌اید؟

They haven't eaten lunch. So they are really hungry.

آن‌ها ناهار نخورده‌اند. به خاطر همین واقعاً گرسنه هستند.

He has broken his glasses. He can't see clearly now.

او عینکش را شکسته است. الان نمی‌تواند واضح ببیند.

She has gone to the store. She isn't home at the moment.

او به فروشگاه رفته است. در حال حاضر خانه نیست.

elementary

مقدماتی

قیدهای مجاز برای حال کامل

زمان حال کامل معمولاً با قیدهای خاصی همراه می‌شود. البته باید توجه داشته باشیم که این قیدها مخصوص حال کامل و نشانه قطعی این زمان نیستند و نباید تا آن‌ها را دیدیم چشم بسته سراغ زمان حال کامل برویم. به همین دلیل است که عنوان این نکته را «قیدهای مجاز برای حال کامل» گذاشتیم، نه نشانه‌های حال کامل. بنابراین همیشه باید به مفهومی که این قیدها به جمله می‌دهند، دقت داشته باشیم. در بخش گرامر این درس در کتاب درسی، چهار قید معرفی شده‌اند که در ادامه آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

کاربرد since

این کلمه به معنی «از» یا «از وقتی که» برای نشان دادن «مبدأ زمان» به کار می‌رود؛ یعنی زمان شروع یک عمل را نشان می‌دهد:

I have lived here since 2019.

من از سال ۲۰۱۹ در این جا زندگی کرده‌ام.

She has worked here since last Monday.

او از دوشنبه گذشته در این جا کار کرده است.

My brother has been tired since he got home.

برادرم از وقتی که به خانه رسید، خسته بوده است.

I haven't seen him since we finished high school.

من از وقتی که دبیرستان را تمام کردیم او را ندیده‌ام.

کاربرد for

این کلمه به معنی «برای» به مدت برای نشان دادن «طول زمان» به کار می‌رود؛ یعنی مدت زمانی که یک عمل ادامه داشته را نشان می‌دهد:

I have lived here for five years.

من به مدت پنج سال در این جا زندگی کرده‌ام (پنج سال است که در این جا زندگی می‌کنم).

She has worked here for a week.

او به مدت یک هفته در این جا کار کرده است (یک هفته است که در این جا کار می‌کند).

My brother has been tired for a few hours.

برادرم به مدت چند ساعت خسته بوده است (چند ساعت است که خسته است).

I haven't seen him for a long time.

من برای مدتی طولانی او را ندیده‌ام (خیلی وقت است که او را ندیده‌ام).

● انتخاب بین since و for خیلی مهم است و خیلی وقت‌ها در سؤالات امتحان مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثال‌هایی را که برای since و for دیدیم یک به یک با هم مقایسه کنید و به کاربرد «مبدأ زمان» بعد از since و «طول زمان» بعد از for دقت کنید.

کاربرد yet

این کلمه به معنی «هنوز» برای نشان دادن این که کاری تا حالا انجام نشده ولی انتظار داریم انجام شود، به کار می‌رود. این قید معمولاً در جملات «منفی» یا سؤالی و در «انتهای جمله» آورده می‌شود:

(-) I haven't finished my homework yet.

من هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام.

(-) They haven't arrived yet.

آن‌ها هنوز نرسیده‌اند.

(?) Has she called you yet?

او هنوز با تو تماس نگرفته است؟

(?) Have you decided what to do yet?

هنوز تصمیم نگرفته‌ای که چه کار کنی؟

● همان‌طور که در ترجمه دو مثال آخر می‌بینیم، در جملات سؤالی دارای yet، اگر بخواهیم این قید را «هنوز» معنی کنیم، مجبوریم فعل جمله را به شکل منفی ترجمه کنیم: «هنوز تماس نگرفته است؟ هنوز تصمیم نگرفته‌ای؟» اگر بخواهیم فعل جمله را مثبت نگه داریم، بهتر است اصلاً کلمه yet را معنی نکنیم: «او با تو تماس گرفته است؟ تصمیم گرفته‌ای که چه کار کنی؟» وجود تفاوت بین جمله انگلیسی و ترجمه فارسی آن طبیعی است؛ چیزی که برای ما مهم است، درک مفهوم جمله و رعایت ساختار صحیح آن است.

◀ کاربرد ever

این کلمه به معنی «تا به حال، تاکنون» برای صحبت در مورد تجربه‌ای در گذشته به کار می‌رود. این قید معمولاً در جملات «منفی یا سؤالی» و «قبل از فعل اصلی» آورده می‌شود:

(-) I haven't **ever** seen such a beautiful sunset. من تا به حال چنین غروب زیبایی را ندیده‌ام.

(-) They haven't **ever** traveled abroad. آن‌ها تا به حال به خارج از کشور سفر نکرده‌اند.

(?) Have you **ever** tried sushi? تا به حال سوشی را امتحان کرده‌ای؟

(?) Has he **ever** failed an exam? تا به حال در امتحانی مردود شده است؟

● می‌توانیم جملات منفی دارای ever را با never بازنویسی کنیم. در این حالت، چون خود never جمله را منفی می‌کند، فعل جمله باید به شکل مثبت بیاید: I haven't **ever** seen such a beautiful sunset. من تا به حال چنین غروب زیبایی را ندیده‌ام.

→ I have **never** seen such a beautiful sunset. من هرگز چنین غروب زیبایی را ندیده‌ام.

They haven't **ever** traveled abroad. آن‌ها تا به حال به خارج از کشور سفر نکرده‌اند.

→ They have **never** traveled abroad. آن‌ها هرگز به خارج از کشور سفر نکرده‌اند.

intermediate

متوسط

تکمیل قیدهای مجاز برای حال کامل

اگر با نکاتی که تا این جا خواندید مشکلی ندارید و آمادگی آن را دارید که برای مواجهه با سؤالات خاص‌تر، اطلاعات خود را در مورد قیدهای این درس تکمیل کنید، این چند نکته را هم یاد بگیرید:

◀ عبارت یا جمله بعد از since

می‌توانیم بعد از since یک «عبارت» نشان‌دهندهٔ مبدأ زمان بیاوریم که در این حالت since را «از» معنی می‌کنیم:

I have lived in this house **since** last year. من از پارسال در این خانه زندگی کرده‌ام.

علاوه بر این، می‌توانیم بعد از since یک «جمله» نشان‌دهندهٔ مبدأ زمان بیاوریم که در این حالت since را «از وقتی که» معنی می‌کنیم:

I have lived in this house **since** I came to this city. من از وقتی که به این شهر آمدم در این خانه زندگی کرده‌ام.

نکتهٔ مهمی که می‌خواهیم در این جا به آن اشاره کنیم این است که چون since به «مبدأ زمان» اشاره دارد، عبارت یا جمله بعد از آن باید «گذشته» باشد.

پس حواسمان باشد که اگر در سؤالی جای خالی در جمله بعد از خود since آورده شده باشد، باید بدانیم که رایج‌ترین زمان برای این بخش از جمله، زمان «گذشتهٔ ساده» است؛ مثل فعل came در مثال بالا یا افعال got و finished در مثال‌های since در بخش قبل.

◀ جای yet در جمله

در بخش قبل گفتیم که yet معمولاً در «انتهای جمله» می‌آید. ولی این قید در حالت رسمی‌تری می‌تواند «قبل از فعل اصلی» هم آورده شود. در سؤالات تشریحی باید مثل کتاب درسی، این قید را در انتهای جمله خود بنویسیم، ولی اگر در سؤالات تستی این قید را قبل از فعل اصلی دیدیم، بدانیم که این حالت هم می‌تواند درست باشد:

I haven't finished my homework **yet**. من هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام.

→ I haven't **yet** finished my homework. من هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام.

Have you decided what to do **yet**? هنوز تصمیم نگرفته‌ای که چه کار کنی؟

→ Have you **yet** decided what to do? هنوز تصمیم نگرفته‌ای که چه کار کنی؟

◀ کاربرد ever در جملات مثبت

قید ever علاوه بر جملات منفی و سؤالی که در بخش قبل دیدیم، می‌تواند در بعضی جملات «مثبت» هم آورده شود. این کاربرد ever محدود و خاص است و معمولاً همراه با صفات عالی (فلان‌ترین که تا به حال)، یا صفات تفضیلی (فلان‌تر از همیشه)، و یا بعد از If (اگر یک وقت) به کار می‌رود:

This is the best cake I have **ever** eaten. این بهترین کیکی است که تا به حال خورده‌ام.

I felt stronger than **ever** after doing that exercise. بعد از انجام آن ورزش، احساس می‌کردم قوی‌تر از همیشه هستم.

If you **ever** feel tired, I will help you. اگر یک وقت احساس خستگی کنی، من کمکت می‌کنم.

◀ سایر قیدهای مجاز برای حال کامل

علاوه بر چهار قیدی که در بخش گرامر این درس در کتاب درسی مطرح شده‌اند، قیدهای دیگری هم در صفحات مختلف کتاب‌های درسی به کار رفته‌اند که ممکن است در جملات امتحان هم آن‌ها را ببینیم. لیست کاملی از قیدهایی که می‌توانند با حال کامل همراه شوند (ولی نشانه قطعی این زمان نیستند) را در ادامه می‌بینیم. در این مثال‌ها به جای قید نسبت به فعل دقت کنید:

مثال	معنی	قید
من از وقتی که ده سالم بود در این جا زندگی کرده‌ام. I <u>have lived here since</u> I was 10.	از؛ از وقتی که	since
من به مدت بیست سال در این جا زندگی کرده‌ام. I <u>have lived here for</u> 20 years.	برای، به مدت	for
ما تا به حال او را ندیده‌ایم. We <u>haven't seen her so far</u> .	تا به حال، تاکنون	so far
من قبلاً این کتاب را خوانده‌ام. I <u>have read this book before</u> .	قبلاً	before
او تا به حال به ایتالیا نرفته است. He <u>hasn't ever been</u> to Italy. او تا به حال به ایتالیا رفته است؟ Has he <u>ever been</u> to Italy?	تا به حال، تاکنون	ever
او هرگز به ایتالیا نرفته است. He <u>has never been</u> to Italy.	هرگز، هیچ وقت	never
من همیشه خواسته‌ام به ایتالیا بروم. I <u>have always wanted</u> to go to Italy.	همیشه	always
او تازه از ایتالیا برگشته است. She <u>has just come</u> back from Italy.	تازه، همین الان	just
آن‌ها هنوز آن کار را تمام نکرده‌اند. They <u>haven't finished the job yet</u> . آن‌ها هنوز آن کار را تمام نکرده‌اند. They <u>haven't yet finished</u> the job.	هنوز	yet
او اخیراً یک ماشین جدید خریده است. He <u>has bought a new car recently</u> . او اخیراً یک ماشین جدید خریده است. He <u>has recently bought</u> a new car.	اخیراً، این اواخر	recently
(با فعل منفی) من هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام. I <u>still haven't finished</u> my homework. (با فعل مثبت) من هنوز می‌توانم اسم آن‌ها را به یاد بیاورم. I <u>can still remember</u> their names.	هنوز	still

intermediate

»»» قیدهای غیرمجاز برای حال کامل «««

متوسط

علاوه بر قیدهایی که پیش از این توضیح دادیم و گفتیم که «می‌توانند» با حال کامل بیایند، قیدهایی هم هستند که «نمی‌توانند» با حال کامل آورده شوند. قیدهای زمانی مشابه مواردی که در زیر آورده شده‌اند و صرفاً به زمان بخصوصی در گذشته اشاره دارند، نباید با حال کامل همراه شوند:

yesterday	دیروز	last century	قرن پیش	the other day	چند روز پیش
in 1987	در سال 1987	two years ago	دو سال پیش	when I was a child	وقتی که بچه بودم
last year	پارسال	a long time ago	خیلی وقت پیش		

● نیامدن این قیدهای زمان با حال کامل یک «خط قرمز» است. یعنی حتی اگر مفهوم جمله برای حال کامل مناسب باشد، باز هم آمدن این قیدهای زمان باعث می‌شود که نتوانیم زمان حال کامل را به کار ببریم. مثال زیر را با دقت بخوانید و فعل داخل پرانتز را به شکل صحیح در جای خالی بنویسید:

- They the house in 1827, but it is still really strong. (build)

برای انتخاب زمان مناسب برای این جمله، اگر بخواهیم صرفاً ترجمه‌ای عمل کنیم، زمان حال کامل برای این جمله کاملاً مناسب به نظر می‌رسد، چون در فارسی این جمله را به این شکل می‌گوییم: آن‌ها این خانه را در سال ۱۸۲۷ «ساخته‌اند»، ولی هنوز هم واقعاً محکم است. همان‌طور که قبلاً گفتیم، برای انتخاب زمان حال کامل، نمی‌توانیم فقط به ترجمه اتکا کنیم. بیایید مفهوم حال کامل را چک کنیم. از نظر مفهومی هم زمان حال کامل برای تکمیل این جمله مناسب به نظر می‌رسد، چون این جمله به عملی اشاره دارد که در گذشته انجام شده و آثار حال آن مدنظر است. خانه در گذشته ساخته شده و آثار حال آن این است که هنوز هم محکم است. ولی چیزی که همه این استدلال‌ها را باطل می‌کند این است که بعد از جای خالی، قید زمان گذشته 1827 in آمده است. همان‌طور که گفتیم، این قیدهای زمان «خط قرمز» هستند و حتی نسبت به مفهوم حال کامل هم اولویت دارند. با این توضیحات، تنها زمان مناسب برای تکمیل این جمله، زمان گذشته ساده (built) است.

● تنها حالتی که می‌توانیم این قیدهای زمان را با حال کامل بیاوریم این است که آن‌ها را با *since* همراه کنیم. در این حالت مفهوم از گذشته تا حال پیدا می‌کند و کاربردشان با حال کامل ایرادی ندارد. به دو مثال زیر توجه کنید که اولی اشتباه و دومی درست است:

من دیروز او را ندیده‌ام. *I haven't seen him yesterday.* ✗

من از دیروز (تا حالا) او را ندیده‌ام. *I haven't seen him since yesterday.* ✓

پیشرفته

advanced

مقایسه مفهومی حال کامل و گذشته ساده

برای انتخاب بین حال کامل و گذشته ساده، معمولاً یکی از قیدهایی که در بخش‌های قبل خواندیم در جمله وجود دارد و ما را برای رسیدن به جواب صحیح راهنمایی می‌کند. اگر قیدی در جمله نیامده باشد که محدودیتی برای آن ایجاد کند، باید مفهومی را که هر کدام از این زمان‌ها به جمله می‌دهد در نظر بگیریم. با توجه به دو کاربردی که برای زمان حال کامل خواندیم، عملی که با این زمان بیان می‌شود، یا از گذشته تا حال ادامه داشته (کاربرد اول) یا در گذشته انجام شده و آثار حال آن مدنظر است (کاربرد دوم). اشتباه خیلی رایجی که اکثر دانش‌آموزان در مورد تفاوت مفهومی زمان گذشته ساده با حال کامل دارند این است تصور می‌کنند که عملی که با زمان گذشته ساده بیان می‌شود، در گذشته شروع و تمام شده و آثار حال «ندارد». دلیل نادرستی این تصور این است که هر عمل گذشته‌ای می‌تواند آثار حال داشته باشد. این دو مثال را با هم مقایسه کنید:

موقع فوتبال بازی کردن، پای او شکست. *He broke his leg while playing soccer.*

پای او شکسته است. به همین دلیل است که او امروز غایب است. *He has broken his leg. That's why he is absent today.*

فرض کنیم جمله اول که با گذشته ساده نوشته شده، همین دیروز اتفاق افتاده باشد. آیا کاربرد گذشته ساده در این جمله می‌تواند به این معنی باشد که شکستن پای او در گذشته، آثار حال ندارد؟! مشخص است که این عمل گذشته آثار حال دارد. وقتی این جمله را با زمان گذشته ساده مطرح می‌کنیم، هدفمان صرفاً گزارش این اتفاق گذشته است و آثار حال آن «مدنظر نیست»، نه این که آثار حال وجود نداشته باشد. آمدن زمان حال کامل در جمله دوم به این دلیل است که در این جمله، آثار حال این عمل گذشته «مدنظر است» و دلیل غیبت این دانش‌آموز در زمان حال بیان می‌شود. بنابراین در صورت محدود نشدن جمله با قیدهایی که قبلاً خواندیم، می‌توانیم تفاوت مفهومی این دو زمان را به طور خلاصه به این شکل یادمان نگه داریم:

مفهوم حال کامل: تأکید بر بودن خود عمل یا آثار آن در «حال»

مفهوم گذشته ساده: صرفاً گزارش «گذشته»، بدون تأکید بر آثار حال (نه بدون وجود آثار حال)

برای درک بهتر تفاوت مفهومی این دو زمان، این دو مثال را هم با هم مقایسه کنید:

I worked in that company for 10 years before starting my own business.

من قبل از شروع کسب و کار خودم، به مدت ۱۰ سال در آن شرکت کار کردم. (صرفاً گزارش کار کردن در گذشته، بدون تأکید بر آثار حال آن)

I have worked in that company for 10 years, so I know a lot of people there.

من به مدت ۱۰ سال در آن شرکت کار کرده‌ام، به همین دلیل افراد زیادی را در آن جا می‌شناسم. (تأکید بر آثار حال کار کردن در گذشته)

در بخش See Also درس دوم به بحث phrasal verbs اشاره شده است. کلمه phrase به معنی «عبارت، گروه» است و phrasal verbs به افعالی گفته می‌شود که به شکل عبارتی و گروهی هستند، نه تک‌کلمه‌ای. در فارسی به این افعال معمولاً «افعال مرکب» می‌گوییم.

● معنی بعضی از افعال مرکب به معنی اجزای تشکیل دهنده آن‌ها خیلی نزدیک است؛ مثلاً دانستن معنی فعل call (تماس گرفتن) احتمالاً می‌توانیم معنی فعل مرکب callback (دوباره تماس گرفتن) را حدس بزنیم. ولی بعضی دیگر از افعال مرکب معنی مستقل و نسبتاً جدیدی دارند؛ مثلاً دانستن معنی فعل look (نگاه کردن) برای حدس زدن معنی فعل مرکب look after (مراقبت کردن از) کافی نیست. بنابراین باید معنی هر فعل مرکب را به طور جداگانه و مستقل یاد بگیریم.

● این مبحث در بخش گرامر کتاب درسی آمده و در امتحان نهایی هم سؤالات مربوط به آن را در بخش سؤالات گرامر می‌بینیم، ولی نکات گرامری این مبحث نه در کتاب درسی مطرح هستند و نه در امتحان نهایی! در امتحان ما، با این مبحث صرفاً برخورد واژگانی می‌شود؛ یعنی تنها چیزی که برای جواب دادن به سؤالات این مبحث در امتحان نیاز داریم، دانستن معنی افعال مرکب کتاب درسی است. در انتهای این بخش، یک سؤال از امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴ را به عنوان مثال آورده‌ایم تا واژگانی بودن سؤالات این مبحث را بهتر درک کنید.

● در این بخش از کتاب درسی، فقط ۹ فعل مرکب به عنوان مثال آورده شده، ولی افعال مرکب دیگری هم در بقیه صفحات کتاب درسی به کار رفته‌اند که ممکن است در امتحان مورد استفاده قرار بگیرند. در ادامه، لیستی از همه افعال مرکبی که از ابتدای کتاب درسی هفتم تا انتهای کتاب درسی یازدهم به کار رفته‌اند را به ترتیب الفبا می‌بینیم. افعالی که در کنارشان ستاره گذاشته شده، همان ۹ فعل مرکبی هستند که در این بخش از کتاب درسی آمده‌اند و احتمال طرح سؤال از آن‌ها بیشتر از بقیه افعال است.

look after *	مراقبت کردن از، مواظبت کردن از
call back *	دوباره تماس گرفتن؛ بعداً تماس گرفتن
look at	نگاه کردن به
check in *	(هتل) اتاق را تحویل گرفتن
look back	پشت سر خود را نگاه کردن؛ به گذشته نگاه کردن
check out	(هتل) اتاق را تحویل دادن
look for	دنبال چیزی گشتن
come back	برگشتن، بازگشتن
look like	شبیه کسی / چیزی بودن؛ به نظر رسیدن
come on	یالاً، بجنب؛ بی‌خیال
look out	مراقب بودن، مواظب بودن
depend on	بستگی داشتن به؛ وابسته بودن به
look out for	دنبال چیزی بودن؛ مراقب کسی بودن
die out	منقرض شدن؛ (عادات و رسوم) منسوخ شدن
make up	تشکیل دادن
fall down	به زمین افتادن
pair up	جفت شدن، دو به دو شدن
fill in/out	(پرسش‌نامه و ...) پُر کردن، تکمیل کردن
pass away	فوت کردن، مرحوم شدن
get along (with)	کنار آمدن (با)، سر کردن (با)
pick up	برداشتن، بلند کردن
get around	(خبر، بیماری و ...) پخش شدن، شایع شدن
put aside	کنار گذاشتن
get away (from)	دور شدن (از)؛ فرار کردن (از)
put on	پوشیدن، به تن کردن؛ (عینک) به چشم زدن
get back	برگشتن؛ پس گرفتن
put out	(آتش) خاموش کردن
get off	(وسیله نقلیه) پیاده شدن
refer to	اشاره کردن به؛ مراجعه کردن به
get on	(وسیله نقلیه) سوار شدن
take away	(چیزی را از کسی) گرفتن؛ بردن، با خود بردن؛ کم کردن
get up *	(از خواب یا از روی زمین و ...) بلند شدن / کردن
take off	(لباس) درآوردن؛ (هواپیما) بلند شدن
give up *	ترک کردن، کنار گذاشتن
turn off *	خاموش کردن
go away	رفتن، جایی را ترک کردن؛ (با عصبانیت) برو، برو گمشو
turn on	روشن کردن
grow up *	(بچه) بزرگ شدن
turn round/around	برگشتن، چرخیدن
hang out (with)	گشتن (با)، وقت گذراندن (با)
wake up *	بیدار شدن / کردن
hurry up *	عجله کردن
watch out	مراقب بودن، مواظب بودن
keep off	دور ماندن از؛ دور نگه داشتن از
work out	ورزش کردن
keep on	ادامه دادن، مدام کاری را کردن

● Don't worry about Mina. She can look herself.

- a) at b) for c) after d) like

معنی جمله: نگران مینا نباش. او می‌تواند a. به خودش نگاه کند b. دنبال خودش بگردد c. از خودش مراقبت کند d. شبیه خودش باشد همان‌طور که می‌بینیم، هیچ نکته گرامری در جواب این سؤال دخیل نیست. فقط با درک معنی جمله و افعال مرکبی که با look ساخته می‌شوند، به راحتی می‌توانیم تشخیص بدهیم که تنها گزینه‌ای که معنی درستی به این جمله می‌دهد، گزینه C است.

سوالات گرامر

elementary	۶۴ سؤالی که در دو دسته بعدی قرار ندارند
intermediate	714, 722, 727, 733, 737, 738, 739, 741, 743, 744, 746, 749, 754, 755, 758, 759, 764, 768, 772, 773, 786, 788, 789, 799, 802, 804, 805, 807
advanced	745, 747, 750, 761, 765, 790, 800, 810

الف) گزینه صحیح را انتخاب کنید.

711. My grandparents in this house for more than fifty years, and they have so many memories here.

- a) live b) lived c) are living d) have lived

712. We many difficulties in the past, but this one seems to be the most difficult so far.

- a) experienced b) were experiencing c) have experienced d) will experience

713. I wasn't sleeping. I have been awake for

- a) this morning b) two hours ago c) half an hour d) two o'clock

714. Where have you been? I you at lunchtime.

- a) haven't seen b) didn't see c) don't see d) have never seen

715. Have you someone who completely changed the way you think about something important?

- a) met ever b) ever met c) have met d) meet

716. I checked around 3 p.m. and spend the rest of the afternoon walking around the city.

- a) in b) up c) out d) off

717. Last time, I saw him in May, and I any news about him since then.

- a) didn't hear b) have heard c) am hearing d) haven't heard

718. We in a small hotel near the beach at the moment because our new house is not ready yet.

- a) stayed b) have stayed c) stay d) are staying

719. I sushi before, but I like to try it if I find a good place.

- a) have ever eaten b) have never eaten c) never have eaten d) never ate

720. I'm very busy these days, so I haven't left the city

- a) for 2024 b) since January c) for a long time ago d) since two years

721. We this topic many times in class. I have a lot of information about it.

- a) discussed b) have discussed c) were discussing d) discuss

722. My English has improved a lot since I that language course two years ago.

- a) attended b) am attending c) attend d) have attended

- 723.** The child got after falling and kept playing with the other children.
a) away b) back c) on d) up
- 724.** The teacher us a lot about the history of our town since the beginning of the school year.
a) teaches b) has taught c) will teach d) taught
- 725.** No one this lesson to me as clearly as you did.
a) has never explained b) ever has explained c) has ever explained d) has explained ever
- 726.** She in seven different countries, so she knows a lot about different cultures.
a) lives b) lived c) will live d) has lived
- 727.** I him a long time ago, but I clearly remember his face.
a) see b) saw c) have seen d) haven't seen
- 728.** I don't have any money to buy a new phone right now because I a new computer recently.
a) have bought b) was buying c) am buying d) bought
- 729.** Do you know where Hadi is? I haven't seen him since
a) last week b) a week c) two weeks d) a long time
- 730.** The movie a few minutes ago, so you much yet.
a) has started – haven't missed b) started – haven't missed
c) started – didn't miss d) has started – didn't miss
- 731.** She at the bus stop when it suddenly started to rain.
a) waited b) has waited c) was waiting d) is waiting
- 732.** She to the gym every day this week, and she feels much more energetic now.
a) will go b) has gone c) went d) goes
- 733.** This is the most interesting book I in my life.
a) so far have read b) I have read recently c) I haven't yet read d) have ever read
- 734.** Liam looks just his father. They have the same eyes, smile, and even personality.
a) after b) like c) at d) for
- 735.** I to start watching Amir Kabir TV series next week.
a) will decide b) have decided c) am going to decide d) decide
- 736.** Have you the hotel yet? We don't have all the time in the world to look for the perfect one!
a) book b) are booking c) booked d) have booked
- 737.** The police to the people who saw the accident yet.
a) spoke b) didn't speak c) have not spoken d) hasn't spoken
- 738.** I my driving test three times so far, but I won't give up until I pass it.
a) have failed b) am failing c) haven't failed d) failed
- 739.** I don't think I have seen such a beautiful sunset!
a) yet b) so far c) never d) ever
- 740.** He hasn't cleaned his room
a) since two days b) for two days ago c) since six months d) for a long time
- 741.** Our team harder than ever last week, so we hope to win the next game.
a) has worked b) will work c) works d) worked
- 742.** I prefer to turn my phone when I'm doing something important that needs my full attention.
a) on b) off c) round d) around
- 743.** They tennis together every weekend since they at the university.
a) have played – met b) have played – have met
c) play – have met d) play – met



744. A: Would you like some more tea? B: No, thanks. I four cups! I think it is enough for my morning!
a) have yet had b) have had recently c) still have had d) have just had
745. Our grandma ill the last month. That's why my mom seems so unhappy now.
a) has been – since b) is – since c) has been – for d) is – for
746. I him for a few months now. I think he is an honest person.
a) knew b) am knowing c) know d) have known
747. I in Isfahan for over ten years before I moved to Mashhad.
a) am living b) lived c) have lived d) live
748. Before the play started, the actors had to put their clothes for the final scene.
a) out b) aside c) on d) off
749. He has not my book I will never lend him anything again.
a) given back / ever b) so far given back / --- c) still given back / --- d) given back / yet
750. I to that new restaurant several times, and the food has always been excellent.
a) was b) went c) have been d) have gone

پ) شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

751. I many interesting things from that book, and I still enjoy reading it. (to learn)
752. Please leave your sister alone for a few more minutes. She her homework yet. (to finish)
753. Your house is full of history books. Has your father all of them? (to read)
754. She abroad in 2019 and has lived there ever since. (to move)
755. Only one of his brothers that bicycle since they bought it last year. (to ride)
756. We dinner when the electricity suddenly went off. (to have)
757. I any good movies recently, so I'm looking for recommendations from my friends. (not to find)
758. This is the most delicious meal I in my life. (ever / to eat)
759. I my best shoes to the wedding last night, and they are completely dirty now. (to wear)
760. she yet, or is she still sleeping in her bed? (to wake up)
761. He in that shop for a year before finding a better job. (to work)
762. She ever to that part of the country, so she's very excited about our trip. (to travel)
763. She never up all night to finish a project or prepare for an exam. (to stay)
764. Have the people living in hot countries snow in real life? (ever / to see)
765. They an answer to this question every day for the last six years. (to seek)

پ) در هر یک از متن‌های زیر، شکل صحیح افعال داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

Passage 1: My sister and I 766. (study) English for a few years. During these years, we 767. (have) many small notebooks to write new words. The books and classes 768. (cost) us a lot of money since we started learning English. But we're glad we did it because now we 769. (speak) English more fluently than before. Last year, I took an exam at the institute and 770. (win) the second prize.

Passage 2: My friends and I 771. (be) interested in radio shows since we were teenagers. They 772. (broadcast) many interesting programs about culture and travel for more than thirty years. So far, we 773. (visit) some of the places they talked about, like the old castle near the lake. Last month, one of the hosts 774. (call) us during a live show to ask about our trip. At that moment, we 775. (walk) in the forest and almost missed the call!

ت) افعال مرکب متن زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

away

up

back

on

up

out

Sometimes I feel tired of the busy city. Cars, noise, and long hours make 776. most of my week. On Friday, I wanted to get 777. for a few hours, so I took a short trip to the coast. I just needed a break. I hung 778. near the water, watched the waves, and wrote a few lines in my notebook. My phone rang once, but I didn't answer. I sent a message saying I'd call 779. later. That moment was mine. Even short escapes like this stop me from giving 780. hope and help me stay balanced in life. They help me breathe, think, and come back stronger.

ث) با هر گروه از کلمات به هم ریخته زیر، یک جمله مناسب بنویسید.

781. have / morning / the garden / the children / all / in / played / . /
782. any / I / heard / week / news from him / haven't / last / since / . /
783. waited / have / for / we / more than / a taxi / thirty minutes / for / . /
784. had / the best / this / have / cake / you / isn't / in your life / ? /
785. they / finished / hasn't / Mina / she / since / seen / high school / . /
786. have / the report / finished / pollution / just / I / writing / about / . /
787. decisions about / yet / hasn't / made / she / her / any / future job / . /
788. recently / any / bought / your / of / friends / have / a new laptop / ? /
789. has / books / many / he / so far / useful / so / written / . /
790. you / told / someone / has / famous / anyone / look like / ever / you / ? /

ج) جملات ناقص زیر را با استفاده از کلمات به هم ریخته داخل پرانتز کامل کنید.

791. My best friend (in a hospital / graduating / worked / in 2015 / has / since)
792. Have most of his family members ? (for / lived / thirty years / abroad / about)
793. The little children and their mother (gone / have / week / to the park / twice / this)
794. Since she married (year / in this house / she / lived / last / has)
795. My older sister (has / that / to / before / been / shop)
796. Have your classmates ? (project / finished / school / yet / the)
797. None of us (such / have / driven / a great car / in our lives / ever)
798. Thanks to him, I (felt / speaking English / never / about / this confident / have)
799. Have the stronger animals ? (always / smaller / hunted / the / ones)
800. My friends and I (haven't / discuss / still / the details / time to / had)

چ) با توجه به تصاویر داده شده، جملات ناقص زیر را کامل کنید.

801. A: Is everyone ready for the meeting?

B: Most of them , but a few are still on the way.



to come

802. A: Why is he walking so slowly?

B: He his ankle again, so he can't walk fast.



to hurt

803. A: Why didn't you get on the bus?

B: I'm waiting for my friend. He yet.



to arrive

804. A: Why aren't the children speaking to each other?

B: They over a toy again!



to fight

805. A: Doesn't your uncle smoke anymore?

B: No, he smoking for six months now.



to quit

806. A: Do you remember your password?

B: Yes, fortunately, I it yet!



807. A: Why is your brother sleeping at this time of the day?

B: He a bad headache since morning.



808. A: How many questions you in the past hour?

B: Twenty so far. I'll answer more after a short break.



809. A: your friend to the teacher yet?

B: Not yet. She is going to speak to her tomorrow.



810. A: anyone here ever a kite?

B: Yes, I have. Actually, I flew one last weekend.



سؤالات شنیداری

حتماً باید فایل‌های صوتی کتاب درسی را که در کتابچهٔ واژگان در بخش‌های ۲، ۳، ۴، ۷ و ۹ هر درس آورده شده‌اند، چندین بار گوش کنیم، چون همان‌طور که قبلاً گفتیم، معمولاً نصف متن‌های بخش شنیداری امتحان نهایی، عیناً از کتاب درسی آورده می‌شوند. بعد از گوش کردن به فایل‌های صوتی کتاب درسی، برای تسلط بیشتر، می‌توانیم از فایل‌های صوتی تمرینات این بخش که بعضی از آن‌ها کمی دشوارتر از کتاب درسی هستند، استفاده کنیم.

Exercise 1

1316. The shop only sells items that are completely made by hand. ☐ a True ☐ b False
1317. It usually takes about a week or more to finish any kind of handcraft. ☐ a True ☐ b False
1318. The tourist asks the shopkeeper to pack the handcraft so she can take it home. ☐ a True ☐ b False
1319. The tourist wants to buy a handcraft as a gift for a family member. ☐ a True ☐ b False

اسکن کنید



Exercise 2

1320. The art exhibition is part of the museum they want to visit. ☐ a True ☐ b False
1321. She forgot to bring her notebook with her to the art exhibition. ☐ a True ☐ b False
1322. They can enjoy walking in the museum because it's quiet there. ☐ a True ☐ b False
1323. They're planning to eat something at the art exhibition after visiting the art garden. ☐ a True ☐ b False

اسکن کنید



Exercise 3

1324. Ella was confused by the big shapes in the maths question. ☐ a True ☐ b False
1325. Olivia's answers matched the ones in the back of the book. ☐ a True ☐ b False
1326. The teacher was happy with the students' work in class. ☐ a True ☐ b False
1327. Both students felt tired after solving the maths questions. ☐ a True ☐ b False

اسکن کنید



Exercise 4

1328. Who has read an article about art helping the brain?
a) just him b) just her c) both of them
1329. The article says that simply looking at art can be
a) relaxing for your brain
b) helpful in learning to paint
c) nearly as effective as painting
1330. She describes feeling energetic after drawing as "strange" because she thought she would feel
a) tired b) boring c) amused
1331. The main idea of the conversation is that art
a) is relaxing and helps the brain
b) can help creative people
c) works better than schoolwork

اسکن کنید



■ Exercise 5

- 1332.** According to the conversation, fingerprints used to help in
a) everyday things b) just crime cases c) crime and everyday use
- 1333.** What everyday use of fingerprints does Hadi mention?
a) using money apps b) unlocking his phone c) finding people
- 1334.** We can understand from the conversation that Milad's uncle
a) was a police officer in the past, but not anymore
b) makes sure he is safe before using online systems
c) believes fingerprint tech can be dangerous to use
- 1335.** Which of the following is true according to the conversation?
a) Phones need to be safer so that nobody can access them easily.
b) Police should stop using fingerprints to find and identify people.
c) Fingerprint technology can be useful in both old and new ways.

اسکن کنید



■ Exercise 6

- 1336.** Reza asks if Melika is referring to activities like or
a) joining clubs – making new friends b) painting – making things with clay
c) learning new skills – improving your mind d) writing poems – visiting art museums
- 1337.** According to Melika, art can improve and help people feel more around others.
a) creativity – confident b) health – comfortable
c) creation – complete d) memory – relaxed
- 1338.** Reza believes that being makes people more to new things and people.
a) creative – open b) sociable – ready
c) neat – quiet d) skilled – shy
- 1339.** Melika joined a last month and met there.
a) painting class – her neighbours b) social group – very skilled artists
c) drawing club – a lot of friendly people d) photography team – people she didn't know

اسکن کنید



■ Exercise 7

- A:** Have you ever seen those handmade Iranian **1340.** ?
- B:** Yeah, they're amazing. The colors, the patterns; just full of **1341.**
- A:** I read that many are made by really skillful women and men. It's part of a long **1342.** in Iran.
- B:** That's cool. So it's not just art; it's tradition.
- A:** Exactly. They often work by hand for months, and the **1343.** is a piece that tells a story.
- B:** That's **1344.** ! Makes me want to visit and see how it's done.
- A:** Same here. I love how something so old can still feel fresh and full of life.
- B:** Totally. It's not just a carpet. It's **1345.** woven in.

اسکن کنید





Exercise 8

A: Do you know what reference words are?

B: Yeah. They **1346.** meaning from earlier parts of the text. Like when someone says "He was tired," you need to know who "he" is.

A: Oh, I get it now. Without them, we'd have to **1347.** names every time.

B: Exactly. But if you use too many without clear links, it **1348.** gets confusing.

A: True. I've read texts where I couldn't **1349.** who they were talking about!

B: Writers who use them well sound more **1350.** than those who don't.

A: So reference words help make writing easier without having to **1351.** every sentence.

اسکن کنید



Exercise 9

You know, art isn't just something nice to hang on a wall. It's much more than colors and shapes. Even when it shows something **1352.** or painful, art can **1353.** speak truth. It helps us feel things we sometimes ignore. It can **1354.** hate, help people listen, and bring us together. That's powerful. Art tells the story of **1355.** ; not just one voice, but many. Whether the **1356.** is clay, paint, or sound, the message can live on. It teaches us to look again, to feel deeper, and to care more. And in **1357.** when words fail, art passes on the feeling. In hard times and good ones, art helps us remember we're not **1358.** That's not just something pretty. That's connection.

اسکن کنید



Exercise 10

You don't have to be born with a brush in your hand to become a successful artist! What **1359.** is learning to **1360.** hard times and keep going. Not every idea will work, but that's part of the journey. The art world is **1361.** , with all kinds of styles and voices. So find the one that feels right for you. Set clear **1362.** , and work towards them, bit by bit. Success isn't always fast, and it's never **1363.** , but it is possible. Try new tools, look into new ideas, and never be afraid to ask questions. If you're lucky, you'll meet people who believe in your work. But more importantly, you must believe in it yourself. Because in the end, what you **1364.** starts with how much you **1365.** , not how much others do.

اسکن کنید



تلفظ

در بخش تلفظ درس سوم، در مورد جملات شرطی صحبت شده است. همان‌طور که در گرامر این درس خواندیم، هر جمله شرطی یک بخش جمله شرط دارد (بخشی که با if شروع می‌شود) و یک بخش جواب شرط. موقع خواندن جملات شرطی، بخشی که در ابتدای جمله آمده (چه جمله شرط باشد و چه جواب شرط) با آهنگ خیزان (rising intonation) خوانده می‌شود و بخشی که در ادامه آمده آهنگ افتان (falling intonation) دارد. مثال‌های این بخش از کتاب درسی را در ادامه می‌بینیم. به فلش‌های رو به بالا و رو به پایین در این مثال‌ها توجه کنید:

1. If I get the money, I will buy a new mobile phone.
2. We'll get to the school late if the bus does not come on time.
3. If the kids answer the questions, the teacher will give them a prize.
4. You'll get a good job if you work hard.

درس اول

Understanding People

- 1 **b:** آن‌ها از ما خواستند که روی چمن قدم نزنیم.
 - 2 **d:** بچه‌های کوچک دوست دارند که به عکس‌های داخل کتاب‌های داستان نگاه کنند.
 - 3 **a:** یک پارکینگ در این اطراف وجود دارد.
 - 4 **frequent:** ما به شهری که پدر بزرگ و مادر بزرگم در آن زندگی می‌کردند سفرهای مکرر می‌کردیم.
 - 5 **familiar (with):** آیا با نرم‌افزار کامپیوتری که آن‌ها استفاده می‌کنند آشنا هستید؟
 - 6 **available:** شغل‌های زیادی در آن منطقه موجود هستند.
 - 7 **extra:** اگر سردت است، می‌توانی یک پتوی دیگر برداری.
 - 8 **keep (off):** دکتر به او گفت که سعی کند از غذاهای چرب دور بماند.
 - 9 **create:** آن‌ها می‌گویند که بستن این جاده مشکلات زیادی ایجاد خواهد کرد.
 - 10 **choose:** وقتی که با افراد مسن‌تر صحبت می‌کنید، باید کلمات خود را با دقت انتخاب کنید.
- شاید احساس کنیم که کلمه communicate هم برای تکمیل این جمله مناسب است. ولی اگر این کلمه را در جای خالی این جمله بیاوریم، برای سؤال بعدی جوابی نخواهیم داشت. حواسمان باشد که در سؤالات این بخش، هر کلمه فقط یک بار می‌تواند استفاده شود. بنابراین اگر فکر می‌کنیم که دو کلمه برای تکمیل یک جمله مناسب هستند، باید آن سؤال را موقتاً رها کنیم و بقیه سؤالات را جواب بدهیم تا تعداد کلمات باقی‌مانده کمتر شود.
- 11 **communicate:** وقتی که افراد با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، از چیزی بیشتر از کلمات استفاده می‌کنند.
 - 12 **c:** او از زبان اشاره برای خواستن غذا استفاده کرد. (سیستمی از حرکات دست که برای برقراری ارتباط استفاده می‌شود)
 - 13 **a:** بروس بیشتر عصرها را با گشتن در اینترنت می‌گذراند. (وقت گذراندن با بازدید کردن از وب‌سایت‌های زیادی)
 - 14 **d:** او از ما خواست که عکس‌ها و جملات را کنار هم بگذاریم. (کنار هم گذاشتن دو چیز مشابه)
- تعریفی که در b آمده (یک رویداد ورزشی بین دو تیم یا شخص) در واقع تعریف کلمه match به عنوان اسم و به معنی «مسابقه» است، ولی این کلمه در این جمله به عنوان فعل و به معنی «جفت کردن، کنار هم گذاشتن» به کار رفته است.
- 15 **b:** او دانش زیادی درباره تاریخ نداشت. (اطلاعات یا درکی که شما دارید)
 - 16 **a:** دفتر ما بالای سوپرمارکت است. (در جایی بالاتر از چیز دیگری)
 - 17 **d:** فراموش نکن که قبل از رفتن کامپیوتر را خاموش کنی. (باعث توقف کار کردن چیزی مثل یک دستگاه شدن)
- تعریفی که در c آمده (باعث شروع کار کردن چیزی مثل یک دستگاه شدن) در واقع تعریف کلمه turn on (روشن کردن) است.
- 18 **b:** آن کتاب ایده‌های زیادی برای فعالیت‌های کلاسی دارد.
- معنی گزینه‌ها - a:** خلق، آفرینش؛ ایجاد. b. فعالیت، کار. c. علاقه؛ سود، منفعت. d. نشانه، علامت؛ تابلو
- 19 **a:** آن منطقه مکانی مقدس برای بسیاری از مسلمانان است. آن‌ها احترام زیادی برای آن قائل هستند.
- معنی گزینه‌ها - a:** مقدس. b. علاقه‌مند. c. اضافی؛ دیگر، بیشتر. d. بهشت؛ (ادبی) آسمان
- 20 **d:** شما به کمی تنوع در شیوه‌ای که درس می‌خوانید نیاز دارید. شما برای مدتی بیش از حد طولانی از روش یکسانی استفاده کرده‌اید.
- معنی گزینه‌ها - a:** انتخاب؛ گزینه. b. تکرار، فراوانی. c. معنی، مفهوم. d. تنوع، گوناگونی
- 21 **c:** همه چیز طبق برنامه پیش رفت و ما به موقع رسیدیم.
- معنی گزینه‌ها - a:** موج سواری کردن؛ (اینترنت) گشتن در، گشت و گذار کردن در. b. شکل دادن. c. (همراه با to) طبق، بر اساس؛ به گفته d. دنبال کردن
- 22 **circled:** من دور جواب صحیح خط کشیدم و آن را به دوستم نشان دادم.

در این نوع سؤالات، وقتی که اسمی S جمع داشته باشد یا در انتهای فعلی S سوم شخص مفرد یا ed گذشته یا اسم مفعول آمده باشد، گاهی اوقات حرف آخر کلمه در صورت سؤال مشخص می‌شود، ولی بعضی وقت‌ها مثل این سؤال، حرف آخر مشخص نمی‌شود و تشخیص آن به خودمان واگذار می‌شود. با توجه به فعل گذشته showed که در ادامه این جمله آمده، مشخص است که فعلی که در جای خالی می‌آوریم هم باید گذشته باشد.



- 23 **quiet**: او از ما خواست که وقتی که بچه خواب است ساکت باشیم.
- 24 **deaf**: وقتی می‌گویم که کسی ناشنوا است، منظورمان این است که نمی‌تواند هیچ چیزی بشنود.
- 25 **foreign**: اگر یک زبان خارجی یاد بگیرید، می‌توانید با افرادی که از کشور دیگری هستند صحبت کنید.
- 26 **d**: او دارد یک کتاب را از انگلیسی به فارسی ترجمه می‌کند.
- 27 **a**: من امروز یک مهمان مهم در دفترم داشتم.
- 28 **c**: او دارد در یک آموزشگاه زبان، فرانسوی یاد می‌گیرد.
- 29 **(in my) experience**: به تجربه من، افراد خیلی کمی واقعاً این مشکل را درک می‌کنند.
- 30 **enjoy**: از آشپزی کردن لذت می‌بری یا فقط به خاطر این که مجبوری این کار را می‌کنی؟
- 31 **host**: کدام کشور قرار است میزبان جام جهانی بعدی باشد؟
- 32 **project**: یک تیم به مدت سه سال در حال کار کردن روی آن پروژه بوده است.
- 33 **d**: من را دعوت کردند که با آن‌ها به پاریس بروم. (درخواست کردن از کسی برای رفتن به جایی یا انجام کاری)
- 34 **b**: ما باید به آن سؤالات به‌طور شفاهی جواب بدهیم. (با کلمات شفاهی، نه با نوشتار)
- اگر معنی کلمه orally (به‌طور شفاهی) را ندانیم و فقط بخواهیم از روی مفهوم جمله معنی این کلمه را حدس بزنیم، شاید به نظر برسد که تعریفی که در a آمده (سریع ولی به شکل دقیقی) با مفهوم این جمله جور درمی‌آید. ولی این تعریف ارتباطی با معنی کلمه orally ندارد.
- 35 **c**: ما برای آن شغل با ده نفر مصاحبه کردیم. (صحبت کردن با کسی و سؤال پرسیدن از آن‌ها)
- 36 **fluently**: دوستم در کانادا زندگی می‌کند، بنابراین می‌تواند به‌طور روان انگلیسی صحبت کند.
- 37 **(to be) honest**: راستش را بخواهی، من خیلی از این غذا خوشم نمی‌آید.
- 38 **Broadcasting**: کلمه IRIB شکل کوتاه پخش جمهوری اسلامی ایران (صدا و سیما) است.
- 39 **(mother) tongue**: او در اسپانیا متولد شد، بنابراین زبان مادری او اسپانیایی است.
- 40 **possibly**: تمام کردن این کار سه هفته طول خواهد کشید، شاید بیشتر.
- 41 **absolutely**: کاملاً مطمئنم که او را در حال صحبت کردن پای تلفن دیدی؟
- 42 **frequently**: اتوبوس‌ها مکرراً بین شهر و فرودگاه حرکت می‌کنند.
- 43 **actually**: من در واقع او را ندیدم. فقط صدایش را شنیدم.
- 44 **a**: او به عنوان یک مترجم برای یک شرکت بین‌المللی کار می‌کند. (کسی که کلمات را به زبان دیگری تبدیل می‌کند)
- 45 **d**: شما باید به سؤالات زیر با دقت جواب بدهید. (چیزهایی که قصد دارید در موردشان صحبت کنید)
- تعریفی که در b آمده (دنبال کسی یا چیزی رفتن) تعریف فعل follow (دنبال کردن، تعقیب کردن) است و ارتباطی با عبارت the following (زیر، موارد زیر، آن‌چه در ادامه آمده) ندارد.
- 46 **c**: بچه‌ها سرگرم خواندن کتاب مورد علاقه‌شان بودند. (کسی یا چیزی که آن را بیشتر از همه دوست دارید)
- 47 **b**: معلم می‌گوید که ما باید تا جایی که ممکن است زود (هرچه زودتر) شروع به خواندن کتاب کنیم.
- معنی گزینه‌ها**: a. مهم، بااهمیت b. ممکن؛ احتمالی، محتمل c. جالب d. در دسترس، موجود
- 48 **b**: آیا شما ورزش دیگری علاوه بر فوتبال و بسکتبال بازی می‌کنید؟
- معنی گزینه‌ها**: a. (در مجاورت چیزی) کنار، پهلوی b. علاوه بر؛ علاوه بر این c. بالا، بالای d. طبق، بر اساس؛ به گفته
- 49 **c**: همه می‌دانند که چراغ قرمز یعنی شما باید توقف کنید.
- معنی گزینه‌ها**: a. ارتباط برقرار کردن b. میزبان بودن c. معنی داشتن، یعنی؛ منظور داشتن d. دعوت کردن

50 a: من نکته‌ای که جان به آن اشاره کرد) در مورد نیاز به تغییر چند چیز در این اطراف را دوست دارم.

معنی گزینه‌ها - a. نکته؛ نقطه b. دانش c. فعالیت، کار d. تنوع، گوناگونی

51 c: بیشتر پول آن‌ها از کشاورزی و پرورش حیوانات می‌آید.

52 b: دانشمندان زیادی در سراسر جهان دارند سعی می‌کنند که آن مشکل را حل کنند.

53 d: بیست درصد از انرژی آن شهر از انرژی بادی می‌آید.

54 abilities: مردان و زنان نیازها، علایق و توانایی‌های متفاوتی دارند.

55 (take) notice: من از او خواستم که آهسته‌تر رانندگی کند، ولی او هیچ توجهی نکرد.

56 regions: مردم آن دو منطقه خیلی متفاوت صحبت می‌کنند و ممکن است حرف همدیگر را به خوبی نفهمند.

57 expressions: او از اصطلاحات سخت زیادی استفاده می‌کند و بیشتر وقت‌ها من نمی‌فهمم که او چه می‌گوید.

58 c: هشت قاره در جهان وجود دارد. (یکی از مناطق بزرگ زمین که به کشورهای زیادی تقسیم شده‌اند)

59 a: آینده جامعه در دستان مادران است. (گروه بزرگی از افراد که با هم زندگی می‌کنند)

تعریفی که در b آمده (تمام افرادی که به زبان یکسانی صحبت می‌کنند) ارتباطی با معنی کلمه society (جامعه، اجتماع) یا بقیه کلمات این بخش ندارد.

60 d: هند جمعیت بیش از یک میلیارد نفر دارد. (تعداد افرادی که در یک مکان زندگی می‌کنند)

61 native (language): او به‌طور روان انگلیسی صحبت می‌کند، ولی زبان مادری‌اش نیست. آن را به عنوان یک زبان خارجی یاد گرفته است.

62 (by) means (of): ما به وسیله ماشین و قطار به دور اروپا سفر کردیم.

63 rice: ما همگی برای ناهار جوجه با برنج خوردیم.

64 century: زندگی در قرن نوزدهم خیلی متفاوت بود با آن‌چه که الان هست.

65 exist: بزرگ‌ترین مشکلات در مناطق فقیرتر کشور وجود دارند.

66 explain: آن درس بیش از حد سخت بود، بنابراین آن‌ها از معلم خواستند که دوباره آن را توضیح بدهد.

67 meet: آن آب نیازهای جمعیت آن شهر بزرگ را برآورده نخواهد کرد.

68 interest: آن موزه چیزی برای علاقه‌مند کردن همه، پیر و جوان، دارد.

69 c: او صحبت کردن با افراد خارجی را خیلی دوست دارد. (کسی که اهل کشور دیگری است)

70 d: این گل‌ها از لحاظ رنگ و اندازه تفاوت دارند. (تفاوت بودن با یکدیگر)

71 b: قهوه پرطرفدارترین نوشیدنی در جهان است. (کسی یا چیزی که افراد زیادی آن را دوست دارند)

تعریفی که در a آمده (کسی یا چیزی که آن را بیشتر از همه دوست دارید) تعریف کلمه favorite (مورد علاقه، محبوب) است، نه کلمه popular (پرطرفدار، محبوب).

72 c: این کتاب‌ها برای بچه‌هایی هستند که از لحاظ سن از ۱۰ تا ۱۲ سال متغیر هستند (بین ۱۰ تا ۱۲ سال سن دارند).

معنی گزینه‌ها - a. تصور کردن، خیال کردن b. لذت بردن از؛ بهره‌مند بودن/ شدن از c. متغیر بودن، نوسان داشتن d. مصاحبه کردن با

73 d: من تصویر ذهنی کاملی از ساختمانی که می‌خواستم بسازم داشتم.

معنی گزینه‌ها - a. روان، سلیس b. آشنا c. مکرر، فراوان d. ذهنی، روانی

74 a: بچه‌ها باید چیزها را برای خودشان تجربه کنند تا از آن‌ها یاد بگیرند.

معنی گزینه‌ها - a. تجربه کردن b. موج‌سواری کردن؛ (اینترنت) گشتن در، گشت و گذار کردن در c. سفر کردن d. (برنامه) پخش کردن

75 a: اخیراً تنوع زیادی در آب و هوا وجود داشته است. گاهی اوقات سرد و گاهی اوقات گرم بوده است.

معنی گزینه‌ها - a. هوا، آب و هوا b. قیمت، بها c. فضا؛ جا، جای خالی؛ فاصله d. جمهوری

76 d: ما از پنجره اتاقمان دید واضحی از اقیانوس داریم.

77 a: او اولین قدم‌هایش را وقتی که یازده ماهه بود برداشت.

711 d: پدربزرگ و مادربزرگم به مدت بیش از پنجاه سال در این خانه زندگی کرده‌اند و خاطرات خیلی زیادی در این جا دارند.

مفهوم جمله نشان می‌دهد که آن‌ها هنوز هم در آن خانه زندگی می‌کنند؛ یعنی این عمل از گذشته تا حال ادامه داشته است. زمان گذشته ساده (گزینه b) صرفاً به یک عمل گذشته اشاره دارد و نمی‌تواند ارتباطی را که مفهوم این جمله با زمان حال دارد، به‌طور مناسبی نشان دهد. شاید در فارسی بتوانیم این جمله را با زمان حال استمراری (گزینه c) بیان کنیم و بگوییم «بیش از پنجاه سال است که دارند در این خانه زندگی می‌کنند». ولی همان‌طور که در درس‌نامه گرامر گفتیم، برای انتخاب زمان مناسب، مخصوصاً وقتی که زمان‌های کامل در جمله مطرح هستند، نباید صرفاً به ترجمه فارسی اتکا کنیم و باید به کاربرد زمان‌ها توجه داشته باشیم. زمان حال استمراری برای استمرار در حال مناسب است (مثلاً این که من همین الان دارم درس می‌خوانم)، نه برای استمرار از گذشته تا حال. برای بیان استمرار از گذشته تا حال می‌توانیم از زمان حال کامل استمراری هم استفاده کنیم که خارج از درسمان است و کاری با آن نداریم. همان زمان حال کامل عادی که در این درس خواندیم و در گزینه d آمده، می‌تواند این مفهوم را به خوبی منتقل کند و در حد درس ما، مناسب‌ترین زمان برای بیان مفهوم از گذشته تا حال است.

712 c: ما مشکلات زیادی را در گذشته تجربه کرده‌ایم، ولی به نظر می‌رسد که این یکی سخت‌ترین مورد تا به حال است.

در این جمله، مشکلات گذشته با مشکلی که در حال وجود دارد مقایسه می‌شوند. ارتباط گذشته و حال و مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

713 c: من خواب نبودم. من به مدت نیم ساعت بیدار بوده‌ام (نیم ساعت است که بیدار هستم).

عبارت half an hour که در گزینه c آمده، نشان‌دهنده «طول زمان» است و می‌تواند بعد از for بیاید تا عبارت «به مدت نیم ساعت» ساخته شود. بقیه گزینه‌ها نشان‌دهنده «مبدأ زمان» هستند و باید همراه با since برای ساختن عبارت‌های «از امروز صبح»، «از دو ساعت پیش» و «از ساعت دو» استفاده شوند.

714 b: کجا بودی؟ موقع ناهار ندیدمت.

در جمله اول از زمان حال کامل استفاده شده و منظور گوینده این است که از گذشته تا حال کجا بودی. ولی در جمله دوم که جای خالی دارد، قید زمان گذشته at lunchtime (موقع ناهار، در وقت ناهار) اجازه استفاده از زمان حال کامل را به ما نمی‌دهد. همان‌طور که در درس‌نامه گرامر گفتیم، نیامدن قیدهای زمان گذشته با فعل حال کامل یک خط قرمز است و حتی نسبت به مفهوم حال کامل هم اولویت دارد.

715 b: آیا تا به حال کسی را ملاقات کرده‌ای که طرز فکر را در مورد یک چیز مهم کاملاً تغییر دهد؟

آمدن have در ابتدای جمله و علامت سؤال در انتهای آن، نشان می‌دهد که در این جا با یک فعل حال کامل سر و کار داریم که سؤالی شده است. در این حالت، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. بنابراین در جای خالی حتماً باید اسم مفعول met را بدون have بیاوریم. طبق توضیحات درس‌نامه گرامر، قید ever قبل از فعل اصلی آورده می‌شود، نه بعد از آن.

716 c: من حدود ساعت ۳ بعد از ظهر اتاق را تحویل دادم و بقیه بعد از ظهر را با قدم زدن در اطراف شهر گذراندم.

اگر لیست افعال مرکب درس را بلد باشیم، می‌دانیم که فقط گزینه‌های a و c در کتاب‌های درسی ما به کار رفته‌اند و با دو گزینه دیگر کاری نداریم. بین افعال مرکب check in (اتاق را تحویل گرفتن) و check out (اتاق را تحویل دادن) که هر دو در مورد هتل به کار می‌روند، از نظر معنایی check out برای این جمله مناسب‌تر است، چون مشخص است که این فرد اتاق را تحویل داده و از هتل خارج شده است، نه این که تازه اتاق را تحویل گرفته باشد.

717 d: آخرین بار او را در ماه می دیدم و از آن موقع به بعد هیچ خبری در مورد او نشنیده‌ام.

در بخش اول جمله، فعل گذشته ساده saw همراه با قید زمان گذشته in May آورده شده که به دیدن آن فرد در گذشته اشاره دارد. در بخش دوم جمله، مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since then برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در جای خالی این سؤال از زمان حال کامل استفاده کنیم. عبارت‌های since then و ever since و حتی خود کلمه since به تنهایی، می‌توانند معنی «از آن موقع به بعد» داشته باشند. اگر بعد از جای خالی به جای any از کلمه no استفاده می‌شد، خود no جمله را منفی می‌کرد و در آن صورت، باید فعل حال کامل را به صورت مثبت (گزینه b) در جای خالی می‌آوردیم.

718 d: ما در حال حاضر در یک هتل کوچک در نزدیکی ساحل می‌مانیم چون خانه جدیدمان هنوز آماده نیست.

مفهومی که عبارت at the moment (در حال حاضر) به این جمله می‌دهد، نشان می‌دهد که این جمله تأکید دارد که این افراد همین حالا (حال استمراری) در آن هتل اقامت دارند، نه این که از گذشته تا حال (حال کامل) مدنظر باشد یا اشاره کلی به اقامت این افراد (حال ساده) شده باشد. قید yet در انتهای جمله با فعل حال ساده I's همراه شده است. همان‌طور که در بخش «قیدهای مجاز برای حال کامل» در درس‌نامه گرامر گفتیم، این قیده‌ها مخصوص حال کامل و نشانه قطعی این زمان نیستند و نباید آن‌ها را دیدیم چشم‌پسته سراغ زمان حال کامل برویم.

719 b: من قبلاً هیچ وقت سوشی نخورده‌ام، ولی اگر جای خوبی پیدا کنم، دوست دارم امتحانش کنم.

مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه گذشته ساده که در گزینه d آمده است. اگر فعل این جمله منفی بود و به جای have در آن از haven't استفاده شده بود، می‌توانستیم قید ever که در گزینه a آمده را در آن به کار ببریم (تا به حال نخورده‌ام). مثبت بودن فعل جمله نشان می‌دهد که باید با آوردن never، مفهوم منفی مورد نیاز جمله را ایجاد کنیم. همان‌طور که در درس‌نامه گرامر دیدیم، قید never هم مثل ever قبل از فعل اصلی (گزینه b) آورده می‌شود و آمدن آن قبل از کل فعل (گزینه c) اشتباه است.

720 b: من این روزها خیلی سرم شلوغ است، بنابراین از ماه ژانویه از شهر خارج نشده‌ام.

سال ۲۰۲۴ و ماه ژانویه هر دو «مبدأ زمان» هستند و باید با since همراه شوند تا عبارت‌های «از سال ۲۰۲۴» و «از ماه ژانویه» ساخته شوند. بنابراین گزینه a نادرست و گزینه b درست است. آمدن ago در گزینه c و نیامدن ago در گزینه d باعث نادرستی این دو گزینه می‌شود. حواسمان باشد که کلمه ago (پیش، قبل) در واقع «مبدأ زمان» می‌سازد. در عبارت‌های زیر، به تفاوت مهمی که آمدن و نیامدن کلمه ago ایجاد می‌کند توجه کنید:

از خیلی وقت پیش since a long time ago → برای مدتی طولانی for a long time
از دو سال پیش since two years ago → به مدت دو سال for two years

721 b: ما بارها در کلاس دربارهٔ این موضوع بحث کرده‌ایم. من اطلاعات زیادی دربارهٔ آن دارم.

در این جمله، آثار حال یک عمل گذشته مدنظر است. در گذشته بارها دربارهٔ آن موضوع بحث شده و نتیجهٔ آن در زمان حال این است که این فرد اطلاعات زیادی دربارهٔ آن دارد. بنابراین مناسب‌ترین زمان برای تکمیل این جمله، زمان حال کامل است.

722 a: از وقتی که دو سال پیش در آن دورهٔ زبان شرکت کردم، انگلیسی من خیلی بهتر شده است.

در صورت این سؤال در واقع دو تا جمله وجود دارد. جملهٔ اصلی فعل حال کامل has improved را دارد و یک قید زمان با since برای آن آورده شده است. علاوه بر این، داخل خود since یک جملهٔ دیگر آمده که قید زمان گذشتهٔ two years ago برای آن به کار رفته و زمان فعل آن باید گذشتهٔ ساده باشد. حتی اگر قید زمان گذشتهٔ two years ago در انتهای جمله نیامده بود، باز هم همین گزینه را به عنوان جواب این سؤال انتخاب می‌کردیم، چون همان‌طور که در بخش «تکمیل قیده‌های مجاز برای حال کامل» در درس‌نامهٔ گرامر گفتیم، جمله‌ای که برای نشان دادن مبدأ زمان، بعد از خود since می‌آید، معمولاً زمان «گذشتهٔ ساده» دارد.

723 d: آن بچه بعد از افتادن بلند شد و به بازی کردن با بچه‌های دیگر ادامه داد.

در لیست افعال مرکب درس، هفت فعل مرکب داریم که با get ساخته می‌شوند. هر چهار گزینهٔ این سؤال، جزو افعال مرکب کتاب درسی هستند، ولی فقط گزینهٔ d (بلند شدن) از نظر معنایی برای تکمیل این جمله مناسب است. گزینهٔ a به معنی «دور شدن، فرار کردن»، گزینهٔ b به معنی «برگشتن؛ پس گرفتن» و گزینهٔ c به معنی «سوار شدن» است و هیچ‌کدام با معنی این جمله جور در نمی‌آیند.

724 b: از ابتدای سال تحصیلی، معلم چیزهای زیادی را دربارهٔ تاریخ شهرمان به ما یاد داده است.

مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت همراه با since در این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. مفهوم این جمله این است که عمل یاد دادن از ابتدای سال تحصیلی شروع شده و تا حال ادامه دارد.

725 c: هیچ‌کس تا به حال این درس را به اندازهٔ شما واضح به من توضیح نداده است.

زمان همهٔ گزینه‌ها حال کامل است، پس در این سؤال قرار نیست زمان را انتخاب کنیم. چیزی که از ما خواسته شده، انتخاب قید مناسب در جای صحیح است. همان‌طور که در درس‌نامهٔ گرامر دیدیم، قید ever قبل از فعل اصلی (گزینهٔ c) آورده می‌شود و آمدن آن قبل یا بعد از کل فعل (گزینه‌های b و d) اشتباه است. قید never هم مثل ever قبل از فعل اصلی می‌آید و جای آن در گزینهٔ a درست است، ولی منفی بودن جمله باعث نادرستی آن می‌شود. قید never در جملهٔ مثبت می‌آید و خودش آن را منفی می‌کند. این جمله با no one منفی شده و دیگر نمی‌توانیم never را در آن به کار ببریم.

726 d: او در هفت کشور مختلف زندگی کرده است، بنابراین چیزهای زیادی دربارهٔ فرهنگ‌های مختلف می‌داند.

در این جمله، آثار حال یک عمل گذشته مدنظر است. این فرد در گذشته در هفت کشور زندگی کرده و نتیجهٔ آن در زمان حال این است که با فرهنگ‌های مختلف آشنایی دارد. بنابراین مناسب‌ترین زمان برای تکمیل این جمله، زمان حال کامل است.

727 b: من خیلی وقت پیش او را دیدم، ولی چهره‌اش را به وضوح به یاد دارم.

با این‌که ترجمهٔ فارسی و حتی کاربرد زمان حال کامل برای این جمله مناسب به نظر می‌رسد، آمدن قید زمان گذشتهٔ a long time ago باعث می‌شود که نتوانیم زمان حال کامل را در جای خالی این سؤال بیاوریم. اگر به قید زمان این جمله since اضافه کنیم و آن را به صورت since a long time ago بنویسیم، جواب این سؤال گزینهٔ d می‌شود (از خیلی وقت پیش او را ندیده‌ام).

728 a: من همین الان هیچ پولی برای خریدن یک گوشی جدید ندارم چون اخیراً یک کامپیوتر جدید خریده‌ام.

در این جمله، آثار حال یک عمل گذشته مدنظر است. این فرد در گذشته یک کامپیوتر جدید خریده و نتیجهٔ آن در زمان حال این است که پول کافی برای خریدن یک گوشی جدید ندارد. بنابراین مناسب‌ترین زمان برای تکمیل این جمله، زمان حال کامل است.

729 a: می‌دانی هادی کجاست؟ من از هفتهٔ پیش او را ندیده‌ام.

عبارت last week که در گزینهٔ a آمده، نشان‌دهندهٔ «مبدأ زمان» است و می‌تواند بعد از since بیاید تا عبارت «از هفتهٔ پیش» ساخته شود. بقیهٔ گزینه‌ها نشان‌دهندهٔ «طول زمان» هستند و برای این‌که درست باشند، یا باید با for همراه شوند، یا با اضافه شدن ago به انتهایشان، به «مبدأ زمان» تبدیل شوند:

از یک هفته پیش since a week ago → به مدت یک هفته for a week
از دو هفته پیش since two weeks ago → به مدت دو هفته for two weeks
از خیلی وقت پیش since a long time ago → برای مدتی طولانی for a long time

730 **b:** فیلم چند دقیقه پیش شروع شد، بنابراین هنوز چیز زیادی را از دست نداده‌ای.

در جای خالی اول، به خاطر قید زمان گذشته a few minutes ago، باید از زمان گذشته ساده استفاده کنیم. ولی در جای خالی دوم، به خاطر قید yet و مفهوم از گذشته تا حال که در این بخش از جمله وجود دارد، باید زمان حال کامل را به کار ببریم.

731 **c:** او در ایستگاه اتوبوس منتظر بود وقتی که ناگهان شروع به باریدن کرد.

عمل منتظر بودن در بازه‌ای از زمان در گذشته در حال انجام بوده و در حین آن، بارش باران شروع شده است. بنابراین باید جای خالی این سؤال را با زمان گذشته استمراری تکمیل کنیم. زمان‌هایی که سال‌های قبل با آن‌ها آشنا شده‌ایم، معمولاً به عنوان گزینه غلط در سؤالات امتحان آورده می‌شوند. احتمال این که این زمان‌ها جواب صحیح باشند زیاد نیست، ولی این احتمال، صفر هم نیست. پس همیشه باید با در نظر داشتن مفهوم صورت سؤال، همه گزینه‌ها را بررسی کنیم.

732 **b:** او این هفته هر روز به باشگاه رفته است و الان احساس می‌کند که خیلی پُرانرژی‌تر است.

شاید قیدهای زمان مشابه every day که در این جمله آمده را معمولاً همراه با زمان حال ساده دیده باشیم، ولی مفهومی که this week به این جمله می‌دهد نشان می‌دهد که این عمل از گذشته تا حال هر روز در حال انجام بوده است. مفهوم حال کامل با این جمله جور درمی‌آید و هیچ محدودیتی که مانع استفاده از این زمان باشد در این جمله وجود ندارد، پس باید زمان حال کامل را به عنوان جواب این سؤال انتخاب کنیم. این مثال را آوردیم تا تأکید کنیم که نباید چشم‌پسته به کلمات و نشانه‌ها اعتماد کنیم و همیشه باید شرایط جمله را در نظر بگیریم.

733 **d:** این جالب‌ترین کتابی است که من تا به حال در زندگی‌ام خوانده‌ام.

قیدهایی که در گزینه‌های این سؤال آمده‌اند، هم از نظر معنایی و هم از نظر جای قید (طبق جدول درس‌نامه) باید بررسی شوند. قید so far از نظر معنایی (تا به حال، تاکنون) درست و از نظر جای قید (انتهای جمله) نادرست است. قید recently هم از نظر معنایی (اخیراً، این اواخر) و هم از نظر جای قید (انتهای جمله یا قبل از فعل اصلی) نادرست است. قید yet از نظر معنایی (هنوز) نادرست و از نظر جای قید (انتهای جمله یا قبل از فعل اصلی) درست است. قید ever تنها موردی است که هم از نظر معنایی (تا به حال، تاکنون) و هم از نظر جای قید (قبل از فعل اصلی) درست است.

734 **b:** لیام دقیقاً شبیه پدرش است. آن‌ها چشم‌ها، لب‌خند و حتی شخصیت یکسانی دارند.

در لیست افعال مرکب درس، هفت فعل مرکب داریم که با look ساخته می‌شوند. هر چهار گزینه این سؤال، جزو افعال مرکب کتاب درسی هستند، ولی فقط گزینه b (شبیه کسی/چیزی بودن؛ به نظر رسیدن) از نظر معنایی برای تکمیل این جمله مناسب است. گزینه a به معنی «مراقبت کردن از، مواظبت کردن از»، گزینه c به معنی «نگاه کردن به» و گزینه d به معنی «دنبال چیزی گشتن» است و هیچ‌کدام با معنی این جمله جور در نمی‌آیند. کلمه just که به معنی «درست، دقیقاً» بین دو کلمه این افعال مرکب آورده شده، تأثیری روی معنی آن‌ها ندارد.

735 **b:** من تصمیم گرفته‌ام که هفته بعد تماشای سریال امیرکبیر را شروع کنم.

حواسمان باشد که قید زمان آینده next week که در انتهای جمله آمده ما را به اشتباه نیندازد. این قید زمان مربوط به عمل شروع کردن است، نه تصمیم گرفتن که در جای خالی آورده شده است. در واقع این فرد در زمان حال به ما می‌گوید که در گذشته تصمیم گرفته که در آینده تماشای این سریال را شروع کند!

736 **c:** هنوز هتل را رزرو نکرده‌ای؟ ما تمام وقت دنیا را نداریم که دنبال یک هتل بی‌نقص بگردیم!

آمدن have در ابتدای جمله و علامت سؤال در انتهای آن، نشان می‌دهد که در این‌جا با یک فعل حال کامل سر و کار داریم که سؤالی شده است. در این حالت، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. بنابراین در جای خالی حتماً باید اسم مفعول booked را بدون have بیاوریم. همان‌طور که در درس‌نامه گرامر گفتیم، در جملات سؤالی دارای yet، اگر بخواهیم این قید را «هنوز» معنی کنیم، مجبوریم فعل جمله را به شکل منفی ترجمه کنیم: «هنوز رزرو نکرده‌ای؟» اگر بخواهیم فعل جمله را مثبت نگه داریم، بهتر است اصلاً کلمه yet را معنی نکنیم: «هتل را رزرو کرده‌ای؟»

737 **c:** پلیس هنوز با افرادی که آن تصادف را دیدند صحبت نکرده است.

مفهوم از گذشته تا حال که از قید yet برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل به شکل منفی استفاده کنیم، یعنی یکی از گزینه‌های c و d. نکته‌ای که می‌خواهیم در این سؤال یاد بگیریم این است که کلمه police همیشه یک اسم «جمع» محسوب می‌شود. پس آوردن فعل مفرد has بعد از آن اشتباه است و باید فعل جمع have را برای آن به کار ببریم. در واقع کلمه police به نیروی پلیس اشاره دارد، نه یک فرد پلیس. برای اشاره به یک فرد پلیس از کلماتی مثل policeman یا police officer استفاده می‌کنیم.

738 **a:** من تا به حال سه بار در امتحان رانندگی رد شده‌ام، اما تسلیم نخواهم شد (دست از تلاش برنخواهم داشت) تا وقتی که قبول شوم.

مفهوم از گذشته تا حال که از قید so far برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. طبق مفهوم جمله، باید این فعل به شکل مثبت در این‌جا به کار ببریم.

739 **d:** فکر نمی‌کنم که تا به حال چنین غروب زیبایی را دیده باشم!

از نظر معنایی، می‌توانیم جای خالی این جمله را با so far یا ever تکمیل کنیم که هر دو به معنی «تا به حال، تاکنون» هستند. بین این دو، با توجه به این که جای خالی قبل از فعل اصلی آمده، فقط ever برای تکمیل این جمله مناسب است. قید so far در انتهای جمله می‌آید، نه قبل از فعل اصلی. اگر عبارت منفی I don't think در ابتدای این جمله نیامده بود، باید never را انتخاب می‌کردیم تا خودش جمله را منفی کند (هرگز چنین غروب زیبایی را ندیده‌ام). کلمه yet به معنی «هنوز» با معنی این جمله هم‌خوانی ندارد و نیازی به بررسی جای این قید در این جمله نداریم.

740 d: او برای مدتی طولانی اتاقش را تمیز نکرده است (خیلی وقت است که اتاقش را تمیز نکرده است).

عبارات های two days ago ، six months و a long time به «طول زمان» اشاره دارند و باید با for همراه شوند، ولی عبارت two days ago یک «مبدأ زمان» است و باید بعد از since بیاید. بنابراین فقط گزینه d ساختار درستی دارد:

for two days	به مدت دو روز	→	since two days ago	از دو روز پیش
for six months	به مدت شش ماه	→	since six months ago	از شش ماه پیش
for a long time	برای مدتی طولانی	→	since a long time ago	از خیلی وقت پیش

741 d: تیم ما هفته پیش سخت تر از همیشه کار کرد، بنابراین امیدواریم بازی بعدی را ببریم.

حواسمان باشد که قید ever یا عبارت next game که در این جمله آمده اند ما را به اشتباه نیندازند. قید ever طبق توضیحات درس نامه، در عبارت harder than ever به معنی «سخت تر از همیشه» به کار رفته و تأثیری روی زمان جمله ندارد. عبارت next game هم در بخش دوم این جمله آمده و ارتباطی با جای خالی ندارد. تنها چیزی که مهم است، قید زمان گذشته last week است که باعث می شود این جمله را با فعل گذشته ساده تکمیل کنیم.

742 b: من ترجیح می دهم وقتی که دارم کار مهمی انجام می دهم که به توجه کامل من نیاز دارد، تلفنم را خاموش کنم.

هر چهار گزینه این سؤال جزو افعال مرکبی هستند که در کتاب درسی با turn ساخته شده اند، ولی فقط گزینه b (خاموش کردن) از نظر معنایی برای تکمیل این جمله مناسب است. گزینه a به معنی «روشن کردن» و گزینه های c و d هر دو به معنی «برگشتن، چرخیدن» هستند و هیچ کدام با معنی این جمله جور در نمی آیند.

743 a: آن ها از وقتی که در دانشگاه همدیگر را ملاقات کردند (با هم آشنا شدند)، هر آخر هفته با هم تنیس بازی کرده اند.

شاید قیدهای زمان مشابه every weekend که در این جمله آمده را معمولاً همراه با زمان حال ساده دیده باشیم، ولی مفهومی که since به این جمله می دهد نشان می دهد که این عمل از گذشته تا حال هر آخر هفته در حال انجام بوده و باید زمان حال کامل را در جای خالی اول این سؤال به کار ببریم. مناسب ترین زمان برای جای خالی دوم این سؤال، زمان گذشته ساده است، چون همان طور که در درس نامه گرامر و توضیح سؤالات قبل گفتیم، جمله ای که برای نشان دادن مبدأ زمان، بعد از خود since می آید، معمولاً زمان «گذشته ساده» دارد.

744 d: کمی چای بیشتر می خواهی؟ ب: نه، ممنون. تازه چهار فنجان خورده ام! فکر می کنم برای صبحم کافی است!

بین قیدهایی که در گزینه های این سؤال آمده اند، از نظر معنایی، می توانیم recently (اخیراً، این اواخر) یا just (تازه، همین الان) را در این جمله به کار ببریم. همان طور که در درس نامه گرامر دیدیم، قید recently می تواند در انتهای جمله (بعد از cups) یا قبل از فعل اصلی (قبل از had) بیاید، پس جای این قید در گزینه b درست نیست. قید just در گزینه d به درستی قبل از فعل اصلی آورده شده و جواب این سؤال است. کلمات yet و still که هر دو به معنی «هنوز» هستند، از نظر معنایی برای تکمیل این جمله مناسب نیستند. بنابراین نیازی به چک کردن جای این قیده ها در گزینه های a و c نداریم.

745 c: مادر بزرگمان در طول یک ماه گذشته بیمار بوده است. به همین دلیل است که الان مادرم این قدر ناراحت به نظر می رسد.

بهتر است جواب دادن به این سؤال را با جای خالی دوم شروع کنیم تا قید جمله تکمیل شود و با خیال راحت تری بتوانیم زمان فعل جمله را در جای خالی اول انتخاب کنیم. در جای خالی دوم این سؤال، می خواهیم یک نکته خاص را در مورد کاربرد کلمه last یاد بگیریم. اگر کلمه last خالی و بدون the باشد، به «مبدأ زمان» اشاره دارد و باید با since همراه شود تا عبارت since last month (از ماه پیش) ساخته شود. ولی اگر کلمه last همراه با the آمده باشد، «طول زمان» را نشان می دهد و باید قبل از آن for بیاوریم تا عبارت for the last month (به مدت یک ماه گذشته، در طول یک ماه گذشته) ساخته شود. دقت داشته باشیم که این نکته مخصوص کلمه last است و آمدن یا نیامدن the تأثیر مشابهی روی کلمات دیگر ندارد. مفهوم از گذشته تا حال که از قید زمان این جمله برداشت می شود، نشان می دهد که باید در جای خالی اول این سؤال از زمان حال کامل استفاده کنیم.

746 d: من الان به مدت چند ماه او را شناخته ام (چند ماه است که او را می شناسم). فکر می کنم که او آدم صادقی است.

همان طور که در سؤالات قبل گفتیم، نباید صرفاً با دیدن یک کلمه در صورت سؤال، زمان جمله را انتخاب کنیم. از طرف دیگر، ترجمه جمله هم به تنهایی نمی تواند معیار مناسبی برای انتخاب زمان جمله باشد و باید همه شرایط جمله را در نظر بگیریم. قید زمان now و ترجمه جمله، ما را به سمت انتخاب زمان حال ساده سوق می دهند، ولی مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می شود، نشان می دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

747 b: قبل از این که به مشهد نقل مکان کنم، به مدت بیش از ده سال در اصفهان زندگی کردم.

عبارت for over ten years محدودیتی برای زمان این جمله ایجاد نمی کند و نمی توانیم آن را نشانه حال کامل در نظر بگیریم، چون مشخص است که این فرد الان در اصفهان زندگی نمی کند و این عمل از گذشته تا حال ادامه نداشته است. این جمله با آثار حال زندگی در اصفهان هم کاری ندارد. بنابراین هیچ کدام از دو کاربرد زمان حال کامل در این جا وجود ندارد. مهم تر این که عبارت before I moved to Mashhad در واقع یک قید زمان گذشته است و نمی تواند با زمان حال کامل همراه شود. زمان ایده آل برای این جمله، زمانی است که در سال دوازدهم با آن آشنا خواهیم شد. در حد زمان هایی که تا این جا خوانده ایم و در بین گزینه ها آمده، مناسب ترین مورد، زمان گذشته ساده است. هدف اصلی مان در این سؤال این است که نادرستی زمان حال کامل را در این جا تشخیص بدهیم.

748 c: قبل از این که نمایش شروع شود، بازیگران مجبور بودند برای صحنه پایانی، لباس های خود را بپوشند.

سه گزینه اول این سؤال جزو افعال مرکبی هستند که در کتاب درسی با put ساخته شده اند، ولی فقط گزینه c (پوشیدن، به تن کردن) از نظر معنایی برای تکمیل این جمله مناسب است. گزینه a به معنی «خاموش کردن آتش» و گزینه b به معنی «کنار گذاشتن» است و هیچ کدام با معنی این جمله جور در نمی آیند. گزینه d یک فعل مرکب خارج از کتاب به معنی «به تعویق انداختن» می سازد.

749 d: او هنوز کتاب من را پس نداده است. دیگر هیچ چیزی به او قرض نخواهم داد.

شاید همه قیدهایی که در گزینه‌های این سؤال آمده‌اند، از نظر معنایی تا حدی درست به نظر برسند. پس فقط با بررسی جای این قیده‌ها باید جواب این سؤال را پیدا کنیم. قید ever قبل از فعل اصلی و قید so far در انتهای جمله می‌آید. پس جای این دو قید در گزینه‌های a و b اشتباه است. قید still که در گزینه c آمده، از مثبت یا منفی بودن جمله تأثیر می‌گیرد. این قید همراه با یک فعل مثبت، قبل از فعل اصلی و همراه با یک فعل منفی، قبل از کل فعل آورده می‌شود. بنابراین در این جمله که فعل منفی دارد، قید still باید قبل از has not بیاید. تنها گزینه‌ای که قید آن در جای مناسبی به کار رفته، گزینه d است. قید yet در این گزینه به درستی در انتهای جمله آورده شده است. توضیحاتی که در مورد جای قیده‌ها در سؤالات این درس دادیم، مربوط به کاربرد آن‌ها در حد درسمان است. سال بعد که با فعل‌های طولانی‌تر و زمان‌های سه‌کلمه‌ای آشنا می‌شویم، متناسب با درسمان، جای این قیده‌ها را دقیق‌تر بررسی خواهیم کرد.

750 c: من چندین بار به آن رستوران جدید رفته‌ام و غذا همیشه عالی بوده است.

مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، یعنی یکی از گزینه‌های c و d. با این‌که در ترجمه این جمله فعل «رفتن» را آورده‌ایم، در خود جمله انگلیسی باید have been را به کار ببریم. همان‌طور که در کتابچه واژگان گفتیم، وقتی می‌خواهیم بگوییم که قبلاً به جایی رفته‌ایم و برگشته‌ایم، یعنی در واقع این تجربه را داریم، فعل been را به کار می‌بریم. اگر به جای been از gone استفاده کنیم، به رفتن و در آن‌جا بودن اشاره می‌کند. به این دو مثال توجه کنید:

He has been to Shiraz.

او (قبلاً) به شیراز رفته است. (قبلاً رفته و برگشته)

He has gone to Shiraz.

او (الان) به شیراز رفته است. (رفته و الان آن‌جاست)

751 have learned/learnt: من چیزهای جالب زیادی از آن کتاب یاد گرفته‌ام و هنوز از خواندن آن لذت می‌برم.

مفهوم جمله نشان می‌دهد که عمل یاد گرفتن از گذشته شروع شده و تا حال ادامه دارد. بنابراین بهترین زمان برای تکمیل این جمله، زمان حال کامل است. همان‌طور که در کتابچه واژگان توضیح دادیم، افعال learn ، burn و dream می‌توانند با قاعده یا بی‌قاعده باشند؛ یعنی شکل گذشته و اسم مفعول این افعال هم می‌تواند learned ، burned و dreamed باشد و هم learnt ، burnt و dreamt. هر کدام از این‌ها را در امتحان بنویسیم درست است و نمره کامل به ما داده می‌شود. به‌طور کلی، کاربرد این افعال به شکل باقاعده، رایج‌تر از شکل بی‌قاعده آن‌هاست.

752 hasn't finished: لطفاً چند دقیقه دیگر هم خواهرت را تنها بگذار. او هنوز تکلیفش را تمام نکرده است.

مفهوم از گذشته تا حال که از قید yet برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل به شکل منفی استفاده کنیم. در مواقعی که فعل داخل جای خالی باید به شکل منفی نوشته شود، ممکن است طراح با آوردن not در پرانتز صورت سؤال (not to finish) ما را راهنمایی کند. ولی در مواردی مثل این سؤال که مفهوم جمله، منفی بودن آن را به وضوح نشان می‌دهد، معمولاً تشخیص منفی بودن جمله به خودمان واگذار می‌شود.

753 read: خانه شما پُر از کتاب‌های تاریخ است. پدرت همه آن‌ها را خوانده است؟

آمدن has در ابتدای جمله و علامت سؤال در انتهای آن، نشان می‌دهد که در این‌جا با یک فعل حال کامل سر و کار داریم که سؤالی شده است. در این حالت، فعل کمکی has از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. بنابراین در جای خالی حتماً باید اسم مفعول read را بدون has بیاوریم. کلمه read یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن، املاي مشابه شکل حال آن، ولی تلفظ متفاوتی دارند. فعل read به عنوان یک فعل حال به صورت «رید» ولی به عنوان یک فعل گذشته یا اسم مفعول به صورت «رد» خوانده می‌شود.

754 moved: او در سال ۲۰۱۹ به خارج از کشور نقل مکان کرد و از آن موقع به بعد در آن‌جا زندگی کرده است.

در بخش دوم این جمله، یک فعل حال کامل همراه با قید ever since (از آن موقع به بعد) آورده شده و به نظر می‌رسد که از نظر مفهومی، بخش اول این جمله که جای خالی دارد هم به همین زمان نیاز دارد. ولی چیزی که مانع استفاده از زمان حال کامل در جای خالی می‌شود، آمدن قید زمان گذشته in 2019 در انتهای این بخش از جمله است. همان‌طور که در درس‌نامه گرامر و توضیح تست‌های این درس گفتیم، نیامدن قیده‌های زمان گذشته با فعل حال کامل یک خط قرمز است و حتی نسبت به مفهوم حال کامل هم اولویت دارد.

755 has ridden: از وقتی که پارسال آن دوچرخه را خریدند، فقط یکی از برادرانش آن را رانده است.

قید زمان گذشته last year که در انتهای جمله آمده، مربوط به فعل گذشته bought است و باعث نمی‌شود که در جای خالی هم زمان گذشته ساده را به کار ببریم. مفهوم از گذشته تا حال که از جمله همراه با since برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در جای خالی این سؤال از زمان حال کامل استفاده کنیم. فاعل این جمله «فقط یکی از برادران او» است، نه خود اسم جمع «برادران» که به جای خالی چسبیده است. بنابراین فعل حال کاملی که در این جای خالی می‌آید، باید با has ساخته شود، نه have. کلمه ride (راندن، سوار شدن) یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب rode و ridden می‌شود. اگر اسم مفعول این فعل را بلد نبودید، حتماً لیست افعال بی‌قاعده را در انتهای کتابچه واژگان بخوانید.

756 were having: ما داشتیم شام می‌خوردیم وقتی که ناگهان برق رفت.

عمل شام خوردن در بازه‌ای از زمان در گذشته در حال انجام بوده و در حین آن، برق قطع شده است. بنابراین باید جای خالی این سؤال را با زمان گذشته استمراری تکمیل کنیم. فعل have که داخل پرانتز آمده، در این‌جا به عنوان یک فعل اصلی و به معنی «خوردن» به کار رفته است، پس برای ساختن فعل گذشته استمراری، باید این فعل را به شکل ing دار و همراه با were در جای خالی بنویسیم.

757 haven't found: اخیراً هیچ فیلم خوبی پیدا نکرده‌ام، بنابراین دارم دنبال پیشنهادهایی از دوستانم می‌گردم.

مفهوم از گذشته تا حال که از قید recently برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل به شکل منفی استفاده کنیم. حتی اگر not در پرانتز صورت سؤال آورده نمی‌شد، مفهوم جمله و آمدن any می‌توانست در تشخیص منفی بودن جمله به ما کمک کند. کلمه find یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن found می‌شود.

758 have ever eaten: این خوشمزه‌ترین غذایی است که تا به حال در زندگی‌ام خورده‌ام.

مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. از طرف دیگر، همان‌طور که در درس نامه گرامر و پاسخ تست‌های این درس دیدیم، قید ever که داخل پرانتز آمده، قبل از فعل اصلی آورده می‌شود؛ یعنی باید این قید را بین دو قسمت فعل حال کامل بیاوریم. کلمه eat یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب ate و eaten می‌شود.

759 wore: دیشب بهترین کفش‌هایم را برای عروسی پوشیدم و الان کاملاً کثیف هستند.

با توجه به این‌که این جمله به آثار حال یک عمل گذشته اشاره دارد، شاید زمان حال کامل برای تکمیل آن مناسب به نظر برسد، ولی قید زمان گذشته last night اجازه استفاده از زمان حال کامل را به ما نمی‌دهد و نشان می‌دهد که باید زمان گذشته ساده را در این جمله به کار ببریم. کلمه wear (پوشیدن، به تن داشتن) یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب wore و worn می‌شود.

760 Has - woken up: او بیدار شده یا هنوز در تختش خواب است؟

مفهومی که قید yet به این جمله می‌دهد، باعث می‌شود که زمان حال کامل برای تکمیل آن مناسب باشد. آمدن دو جای خالی در دو طرف فاعل و آمدن علامت سؤال در انتهای جمله، نشان می‌دهد که باید فعل این جمله را به شکل سؤالی بنویسیم. پس فعل کمکی را در جای خالی اول و فعل اصلی را در جای خالی دوم می‌آوریم. فعل wake up (بیدار شدن/ کردن) یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب woke up و woken up می‌شود.

761 worked: او قبل از پیدا کردن یک شغل بهتر، به مدت یک سال در آن فروشگاه کار کرد.

هیچ‌کدام از دو کاربرد زمان حال کامل در این جمله مطرح نیست. در این جمله، صرفاً گزارشی عملی در گذشته انجام می‌شود، بدون این‌که خود آن عمل تا حال ادامه داشته باشد، یا تأکیدی بر آثار حال آن وجود داشته باشد. بنابراین باید جای خالی را با زمان گذشته ساده تکمیل کنیم، نه حال کامل.

762 hasn't - traveled: او تا به حال به آن بخش از کشور سفر نکرده است، بنابراین در مورد سفرمان خیلی هیجان‌زده است.

مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل به شکل منفی استفاده کنیم. در این سؤال، در پرانتز صورت سؤال not آورده نشده و تشخیص منفی بودن جمله به خودمان واگذار شده است. آمدن دو جای خالی در دو طرف قید ever به این دلیل است که این قید قبل از فعل اصلی (یعنی بین دو قسمت فعل حال کامل) آورده می‌شود. پس فعل کمکی را به شکل منفی در جای خالی اول و فعل اصلی را در جای خالی دوم می‌آوریم.

763 has - stayed: او هیچ‌وقت تمام شب را بیدار نمانده است تا پروژه‌ای را تمام کند یا برای امتحانی آماده شود.

این سؤال را با سؤال قبل مقایسه کنید. در این جمله هم مثل سؤال قبل، باید دو قسمت فعل حال کامل را در دو جای خالی صورت سؤال بنویسیم، چون قید never هم مثل ever قبل از فعل اصلی می‌آید. مفهوم این جمله هم منفی است، ولی برخلاف سؤال قبل، فعل این جمله را نباید منفی بنویسیم، چون خود قید never این جمله را منفی کرده است. جابه‌جا شدن قیدهای ever و never در این دو سؤال، منفی یا مثبت بودن فعل داخل جای خالی را تغییر می‌دهد.

764 ever seen: آیا مردمی که در کشورهای گرم زندگی می‌کنند تا به حال برف را از نزدیک (در واقعیت) دیده‌اند؟

آمدن have در ابتدای جمله و علامت سؤال در انتهای آن، نشان می‌دهد که در این‌جا با یک فعل حال کامل سر و کار داریم که سؤالی شده است. در این حالت، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. طولانی بودن فاعل (the people living in hot countries) باعث شده بین have و جای خالی فاصله زیادی بیفتد، ولی این فاصله چیزی را تغییر نمی‌دهد و باید در جای خالی اسم مفعول seen را بدون have بیاوریم. قید ever که داخل پرانتز آمده، قبل از فعل اصلی آورده می‌شود، پس باید این قید را هم قبل از seen در جای خالی بنویسیم. کلمه see یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب saw و seen می‌شود.

765 have sought: آن‌ها در طول شش سال گذشته، هر روز دنبال جوابی برای این سؤال گشته‌اند.

شاید قیدهای زمان مشابه every day که در این جمله آمده را معمولاً همراه با زمان حال ساده دیده باشیم، ولی مفهومی که for the last six years (به مدت شش سال گذشته، در طول شش سال گذشته) به این جمله می‌دهد نشان می‌دهد که این عمل از گذشته تا حال هر روز در حال انجام بوده و باید زمان حال کامل را در این جمله به کار ببریم. کلمه seek (جستجو کردن، دنبال چیزی گشتن) یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن sought می‌شود. اگر اسم مفعول این فعل را بلد نبودید، حتماً لیست افعال بی‌قاعده را در انتهای کتابچه واژگان بخوانید.

766 have studied: من و خواهرم به مدت چند سال انگلیسی خوانده‌ایم (چند سال است که انگلیسی می‌خوانیم).

با توجه به داستان کلی متن، مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

767 have had: در طول این سال‌ها، دفترچه‌های کوچک زیادی برای نوشتن کلمات جدید داشته‌ایم.

مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت *during these years* برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. وقتی که *have* به عنوان یک فعل اصلی و به معنی «داشتن» یا «خوردن» به کار می‌رود، یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن *had* می‌شود. پس برای ساختن زمان حال کامل از این فعل، باید اول فعل کمکی *have* را بنویسیم و بعد از آن اسم مفعول *had* را بیاوریم.

768 have cost: از وقتی که یادگیری انگلیسی را شروع کردیم، کتاب‌ها و کلاس‌ها هزینه زیادی برآیمان داشته‌اند.

مفهوم از گذشته تا حال که از جمله همراه با *since* برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. هر سه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل *cost* (هزینه داشتن، قیمت داشتن، خرج برداشتن) یکسان است. پس برای تبدیل این فعل به اسم مفعول، نباید به آن *ed* اضافه کنیم.

769 speak: ولی خوشحالیم که این کار را کردیم، چون الان انگلیسی را روان‌تر از قبل صحبت می‌کنیم.

گوینده این جمله به توانایی صحبت کردن در زمان حال به طور کلی اشاره می‌کند، پس باید در این جمله از زمان حال ساده استفاده کنیم.

770 won: پارسال در آموزشگاه یک امتحان دادم و برنده جایزه (نفر) دوم شدم.

قید زمان گذشته *last year* که در این جمله به کار رفته، نشان می‌دهد که باید در جای خالی از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل. کلمه *win* (برنده شدن، بردن) یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن *won* می‌شود.

771 have been: من و دوستانم از وقتی که نوجوان بودیم به برنامه‌های رادیویی علاقه‌مند بوده‌ایم.

مفهوم از گذشته تا حال که از جمله همراه با *since* برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. فعل *be* در این جمله به عنوان یک فعل اصلی به معنی «بودن» به کار رفته که اسم مفعول آن *been* می‌شود.

772 have broadcast: آن‌ها به مدت بیش از سی سال، برنامه‌های جالب زیادی درباره فرهنگ و سفر پخش کرده‌اند (بیش از سی سال است که پخش می‌کنند).

مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. هر سه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل *broadcast* (پخش کردن) یکسان است. البته این فعل گاهی اوقات به شکل باقاعده و همراه با *ed* هم به کار می‌رود، ولی کاربرد بی‌قاعده آن خیلی رایج‌تر است. در انتهای کتاب درسی هم این فعل فقط به عنوان یک فعل بی‌قاعده معرفی شده است.

773 have visited: تا به حال، از بعضی از مکان‌هایی که درباره‌شان صحبت کردند، بازدید کرده‌ایم، مثل قلعه قدیمی نزدیک دریاچه.

مفهوم از گذشته تا حال که از قید *so far* برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

774 called: ماه گذشته، یکی از مجریان در طول یک برنامه زنده با ما تماس گرفت تا درباره سفرمان بپرسد.

قید زمان گذشته *last month* که در این جمله به کار رفته، نشان می‌دهد که باید در جای خالی از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

775 were walking: در آن لحظه، ما داشتیم در جنگل قدم می‌زدیم و نزدیک بود تماس را از دست بدهیم (متوجه تماس نشویم)!

مفهوم جمله و عبارت *at that moment* (در آن لحظه، آن موقع) نشان می‌دهد که عمل قدم زدن در بازه‌ای از زمان در گذشته در حال انجام بوده و در حین آن، تماس گرفته شده است. بنابراین باید جای خالی این سؤال را با زمان گذشته استمراری تکمیل کنیم.

776 (make) up: گاهی اوقات از شهر شلوغ احساس خستگی می‌کنم. ماشین‌ها، سروصدا و ساعت‌های طولانی، بیشتر هفته‌ام را تشکیل می‌دهند.

با توجه به محدود بودن تعداد افعال مرکبی که در کتاب درسی به کار رفته‌اند، حتی ممکن است در امتحان از ما خواسته شود که افعال مرکب را با دانش خودمان تکمیل کنیم. بنابراین باید جدول افعال مرکب را در درس نامه گرامر با دقت بخوانیم تا برای جواب دادن به هر نوع سؤالی کاملاً آماده باشیم.

777 (get) away: روز جمعه، می‌خواستم برای چند ساعت (از شلوغی) دور شوم (فرار کنم)، پس سفر کوتاهی به ساحل کردم.

778 (hung) out: فقط به یک استراحت نیاز داشتم. کنار آب وقت گذراندم، موج‌ها را تماشا کردم و چند خط در دفترچه‌ام نوشتم.

همان‌طور که در کتابچه واژگان دیدیم، خود فعل *hang* به معنی «آویزان کردن/ بودن» است، ولی فعل مرکب *hang out* به معنی «گشتن، وقت گذراندن» در جمله به کار می‌رود. این فعل در هر دو معنی بالا، بی‌قاعده است و گذشته و اسم مفعول آن *hung (out)* می‌شود. علاوه بر این، فعل *hang* یک معنی و کاربرد متفاوت هم دارد. این فعل می‌تواند به معنی «دار زدن، به دار آویختن» باشد که در این معنی، باقاعده است و *ed* می‌گیرد.

779 (call) back: تلفنم یک بار زنگ خورد، ولی جواب ندادم. پیامی فرستادم که بعداً تماس می‌گیرم. آن لحظه برای من بود.

780 (giving) up: حتی فرارهای کوتاهی مثل این، مانع ترک کردن (از دست دادن) امیدم می‌شوند و کمکم می‌کنند که در زندگی، متعادل بمانم. آن‌ها کمکم می‌کنند که نفس بکشم، فکر کنم و قوی‌تر برگردم.

781 بچه‌ها تمام صبح را در باغ بازی کرده‌اند. The children have played in the garden all morning.

782 از هفته پیش هیچ خبری از او نشنیده‌ام. I haven't heard any news from him since last week.

783 به مدت بیش از سی دقیقه منتظر تاکسی بوده‌ایم (بیش از سی دقیقه است که منتظریم).

We have waited for a taxi for more than thirty minutes.

784 این بهترین کیک نیست که در زندگیت خورده‌ای؟ Isn't this the best cake you have had in your life?

علامت سؤالی که در انتهای جمله آمده خیلی مهم است. این علامت سؤال نشان می‌دهد که باید isn't را در ابتدای جمله بیاوریم تا جمله ساختار سؤالی داشته باشد.

785 او از وقتی که دبیرستان را تمام کردند، مینا را ندیده است. She hasn't seen Mina since they finished high school.

786 من نوشتن گزارش در مورد آلودگی را تازه تمام کرده‌ام. I have just finished writing the report about pollution.

طبق جدول درس‌نامه، قید just در معنی «تازه، همین الان»، قبل از فعل اصلی آورده می‌شود؛ یعنی باید این قید را بین دو قسمت فعل حال کامل بیاوریم.

787 او هنوز هیچ تصمیمی درباره‌ی شغل آینده‌اش نگرفته است. She hasn't made any decisions about her future job yet.

همان‌طور که در درس‌نامه گرامر توضیح دادیم، در سؤالات تشریحی باید قید yet را مثل کتاب درسی، در انتهای جمله خود بیاوریم. حالت دیگری که در تکمیل توضیحات این قید به آن اشاره کردیم، برای تشخیص درستی جای این قید در تست‌های خاص است و در سؤالات تشریحی نباید از آن استفاده کنیم.

788 هیچ‌یک از دوستان اخیراً یک لپ‌تاپ جدید خریده است؟ Have any of your friends (recently) bought a new laptop (recently)?

با توجه به علامت سؤالی که در انتهای جمله آمده، باید have را در ابتدای جمله بیاوریم تا جمله ساختار سؤالی داشته باشد. طبق جدول درس‌نامه، قید recently هم می‌تواند در انتهای جمله خود بیاید و هم قبل از فعل اصلی. بنابراین جمله این سؤال را به دو شکل می‌توانیم بنویسیم. قید recently می‌تواند در هر یک از دو جایی که در پاسخ این سؤال داخل پرانتز نوشته شده آورده شود.

789 او تا به حال کتاب‌های مفید خیلی زیادی نوشته است. He has written so many useful books so far.

طبق جدول درس‌نامه، قید so far در انتهای جمله خود آورده می‌شود. همان‌طور که در توضیح کاربرد قیدها در بخش نگارش درس اول گفتیم، خیلی از قیدها می‌توانند علاوه بر جای اصلی‌شان، در ابتدای جمله هم بیایند. قید so far در این جمله و بعضی از قیدها و عبارتهایی که در سؤالات قبل داشتیم هم می‌توانند به همین ترتیب، در ابتدای جمله آورده شوند. ولی بهتر است محض اطمینان، در سؤالات تشریحی امتحان نهایی، این قیدها را در جای اصلی‌شان به کار ببریم.

790 هیچ‌کس تا به حال به تو گفته (که) شبیه یک فرد مشهور هستی؟ Has anyone ever told you you look like someone famous?

برای مرتب کردن این جمله باید به سه مورد توجه داشته باشیم: مورد اول این‌که با توجه به علامت سؤالی که در انتهای جمله آمده، باید has را در ابتدای جمله بیاوریم تا جمله ساختار سؤالی داشته باشد. مورد دوم این‌که باید قید ever را قبل از فعل اصلی بنویسیم. مورد سوم هم این‌که دو کلمه someone و anyone را در این جمله درست به کار ببریم. همان‌طور که در گرامر درس اول دیدیم، کلمه some و ترکیباتش در جملات مثبت می‌آیند و در جملات منفی و سؤالی به جای آن‌ها کلمه any و ترکیباتش به کار می‌روند. در بخش اول این جمله که ساختار سؤالی دارد، باید anyone را بیاوریم و در بخش دوم که خبری و مثبت است، باید از someone استفاده کنیم. شاید آمدن دو کلمه you پشت سر هم باعث شود که به جوابمان شک کنیم، ولی این اتفاق عادی است. در این جمله در واقع یک that به معنی «که» بین دو you وجود داشته که از ظاهر جمله حذف شده است. در ترجمه این جمله، کلمه «که» را داخل پرانتز آورده‌ایم تا نشان دهیم که در فارسی هم این کلمه قابل حذف است.

791 بهترین دوستم از فارغ‌التحصیل شدن در سال ۲۰۱۵ در بیمارستان کار کرده است.

My best friend has worked in a hospital since graduating in 2015.

792 آیا بیشتر اعضای خانواده او به مدت حدود سی سال در خارج از کشور زندگی کرده‌اند (حدود سی سال است که در خارج از کشور زندگی می‌کنند)?

Have most of his family members lived abroad for about thirty years?

با توجه به سؤالی بودن جمله، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است.

793 آن بچه‌های کوچک و مادرشان این هفته دو بار به پارک رفته‌اند.

The little children and their mother have gone to the park twice this week.

794 از وقتی که پارسال ازدواج کرد، در این خانه زندگی کرده است. Since she married last year, she has lived in this house.

جمله همراه با since از انتهای این جمله به ابتدای آن منتقل شده است. قید زمان گذشته last year متعلق به فعل گذشته married است که در جمله بعد از since آمده است.

795 خواهر بزرگ‌ترم قبلاً به آن فروشگاه رفته است. My older sister has been to that shop before.

طبق جدول درس‌نامه، قید before در معنی «قبلاً»، در انتهای جمله خود آورده می‌شود.

796 هم‌کلاسی‌هایت هنوز پروژه مدرسه را تمام نکرده‌اند؟ Have your classmates finished the school project yet?

با توجه به سؤالی بودن جمله، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. همان‌طور که قبلاً گفتیم، در سؤالات تشریحی باید قید yet را مثل کتاب درسی، در انتهای جمله خود بیاوریم.

797 هیچ‌کدام از ما تا به حال چنین ماشین خوبی را در زندگی مان نرانده‌ایم. None of us have ever driven such a great car in our lives.

همان‌طور که قبلاً گفتیم، قید ever قبل از فعل اصلی آورده می‌شود؛ یعنی باید این قید را بین دو قسمت فعل حال کامل بیاوریم.

798 به لطف او، من هیچ‌وقت تا این حد در مورد انگلیسی صحبت کردن احساس اعتماد به نفس نکرده‌ام.

Thanks to him, I have never felt this confident about speaking English.

قید never هم مثل ever قبل از فعل اصلی (یعنی بین دو قسمت فعل حال کامل) آورده می‌شود.

799 آیا حیوانات قوی‌تر همیشه کوچک‌ترها را شکار کرده‌اند؟ Have the stronger animals always hunted the smaller ones?

با توجه به سؤالی بودن جمله، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. طبق جدول درس‌نامه، قید always در انتهای جمله خود آورده می‌شود.

800 من و دوستانم هنوز وقت نداشته‌ایم که در مورد جزئیات صحبت کنیم. My friends and I still haven't had time to discuss the details.

همان‌طور که در جدول درس‌نامه و پاسخ تست‌های این درس دیدیم، قید still از مثبت یا منفی بودن جمله تأثیر می‌گیرد. این قید همراه با یک فعل مثبت، قبل از فعل اصلی و همراه با یک فعل منفی، قبل از کل فعل آورده می‌شود. بنابراین در این جمله که فعل منفی دارد، قید still باید قبل از haven't had بیاید.

801 الف: **have come**: همه برای جلسه آماده هستند؟ ب: بیشترشان آمده‌اند، ولی چند نفر هنوز در راه هستند.

در این نوع سؤالات، اگر به جای یک جای خالی طولانی، چند جای خالی جداگانه به ما داده شده باشد، باید به تعداد جاهای خالی دقت کنیم، چون نشان‌دهنده تعداد کلماتی است که باید در پاسخ‌نامه بنویسیم. مفهوم این جمله به زمان حال کامل نیاز دارد. کلمه come یک فعل بی‌قاعده است که گذشته آن came و اسم مفعول آن خود come می‌شود.

802 الف: **has hurt**: چرا او این قدر آرام راه می‌رود؟ ب: او دوباره به مچ پایش صدمه زده است (مچ پایش آسیب دیده است). بنابراین نمی‌تواند سریع راه برود.

مفهوم این جمله به زمان حال کامل نیاز دارد. هر سه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل hurt (آسیب رساندن به، صدمه زدن به؛ درد کردن) یکسان است. پس برای تبدیل این فعل به اسم مفعول، نباید به آن ed اضافه کنیم.

803 الف: **hasn't arrived**: چرا سوار اتوبوس نشدی؟ ب: منتظر دوستم هستم. او هنوز نرسیده است.

مفهوم از گذشته تا حال که از قید yet برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل به شکل منفی استفاده کنیم.

804 الف: **have fought**: چرا بچه‌ها با هم حرف نمی‌زنند؟ ب: آن‌ها دوباره سر یک اسباب‌بازی دعوا کرده‌اند!

مفهوم این جمله به زمان حال کامل نیاز دارد. کلمه fight (جنگیدن، مبارزه کردن، دعوا کردن) یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن fought می‌شود.

805 الف: **has quit**: عموی دیگر سیگار نمی‌کشد؟ ب: نه، او الان به مدت شش ماه است که سیگار را ترک کرده است.

همان‌طور که در کتابچه واژگان گفتیم، فعل quit (ترک کردن، کنار گذاشتن) معمولاً بی‌قاعده است و گذشته و اسم مفعول آن خود quit می‌شود. ولی در انگلیسی بریتانیایی، گاهی اوقات این فعل به صورت باقاعده و به شکل quitted هم به کار می‌رود. اگر شکل باقاعده این فعل را جایی دیدیم، بدانیم که درست است. ولی در سؤالات تشریحی، بهتر است خودمان شکل بی‌قاعده آن را به کار ببریم، چون در لیست انتهای کتاب درسی و پاسخ‌نامه امتحان نهایی، شکل بی‌قاعده این فعل آورده شده است. اگر فعل quit در کنار شکل نیامده بود و انتخاب کلمه به خودمان سپرده شده بود، می‌توانستیم این جمله را با give up (ترک کردن، کنار گذاشتن) هم تکمیل کنیم. این کلمه هم یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب gave up و given up می‌شود.

806 الف: **haven't forgotten**: کلمه رمزت را به یاد داری؟ ب: بله، خوشبختانه هنوز آن را فراموش نکرده‌ام!

با توجه به این‌که از این سؤال به بعد، فعلی که باید در جای خالی بیاوریم به ما داده نشده، باید با دقت به جملات صورت سؤال، فعل مناسب برای تکمیل جمله را تشخیص بدهیم. مفهوم از گذشته تا حال که از قید yet برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل به شکل منفی استفاده کنیم. بنابراین باید به جای remember که در جمله A آمده، فعل forget را به شکل منفی در جمله B بیاوریم. کلمه forget یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب forgot و forgotten می‌شود.

807 الف: **has had**: چرا برادرت این موقع از روز خواب است؟ ب: او از صبح سردرد بدی داشته است.

برای جواب دادن به این سؤال، باید با عبارت have a headache (سردرد داشتن) که بارها در کتاب‌های درسی سال‌های قبل به کار رفته، آشنا باشیم. مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید فعل اصلی have را با زمان حال کامل در جای خالی بیاوریم. همان‌طور که قبلاً گفتیم، فعل اصلی have به معنی «داشتن» یا «خوردن» یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن had می‌شود. پس برای ساختن زمان حال کامل از این فعل، باید اول فعل کمکی have را بنویسیم و بعد از آن اسم مفعول had را بیاوریم.

808 **have _ answered**: الف: چند سؤال در ساعت گذشته جواب داده‌ای؟ ب: تا به حال بیست تا. بعد از یک استراحت کوتاه، سؤالات بیشتری را جواب می‌دهم. مفهوم جمله و آمدن فعل answer در جمله B، نشان می‌دهد که در جمله A هم باید همین فعل را با زمان حال کامل در جای خالی بیاوریم. با توجه به سؤالی بودن جمله، فعل کمکی have از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است.

809 **Has _ spoken**: الف: دوستت هنوز با معلم صحبت نکرده است؟ ب: هنوز نه. قرار است فردا با او صحبت کند. مفهوم جمله و آمدن فعل speak در جمله B، نشان می‌دهد که در جمله A هم باید همین فعل را با زمان حال کامل در جای خالی بیاوریم. با توجه به سؤالی بودن جمله، فعل کمکی has از اسم مفعول خود جدا شده و قبل از فاعل آمده است. کلمه speak یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب spoke و spoken می‌شود. همان‌طور که قبلاً گفتیم، در جملات سؤالی دارای yet، اگر بخواهیم این قید را «هنوز» معنی کنیم، مجبوریم فعل جمله را به شکل منفی ترجمه کنیم. به همین دلیل است که در ترجمه فارسی این جمله، از فعل منفی «صحبت نکرده» استفاده کردیم. در خود این جمله انگلیسی، می‌توانیم فعل را به شکل مثبت یا منفی بنویسیم و هر دو حالت درست هستند. برای جمع‌بندی مثبت یا منفی بودن فعل حال کامل همراه با yet می‌توانیم بگوییم: در جملات خبری، آمدن yet در انتهای جمله باعث می‌شود که فعل حال کامل را به شکل منفی بیاوریم. ولی در جملات سؤالی، هر دو حالت مثبت و منفی درست هستند و فقط کمی تفاوت تأکیدی دارند:

I haven't seen her yet.

(جمله خبری منفی در انگلیسی) هنوز او را ندیده‌ام.

Have/Haven't you seen her yet?

(جمله سؤالی مثبت و منفی در انگلیسی) هنوز او را ندیده‌ای؟

810 **Has _ flown**: الف: هیچ‌کس این جا تا به حال با بادبک به پرواز درآورده است؟ ب: بله، من این کار را کرده‌ام. در واقع، آخر هفته پیش یکی را به پرواز درآوردم. برای جواب دادن به این سؤال، باید بدانیم که کلمه fly (پرواز کردن؛ به پرواز درآوردن) یک فعل بی‌قاعده است که گذشته و اسم مفعول آن به ترتیب flew و flown می‌شود. آمدن این فعل به شکل گذشته در جمله B، نشان می‌دهد که در جمله A هم باید همین فعل را با زمان حال کامل در جای خالی بیاوریم. سؤالی بودن جمله و آمدن قیدهای here و ever باعث شده بین فعل کمکی و فعل اصلی فاصله زیادی بیفتد، ولی این فاصله چیزی را تغییر نمی‌دهد و باید دو قسمت فعل حال کامل را در دو جای خالی این سؤال بیاوریم. آخرین نکته‌ای که در این سؤال باید به آن توجه کنیم این است که بعد از anyone و سایر کلمات مشابه آن (مثل کلمات، everyone و someone، nobody، anything غیره) باید یک فعل مفرد بیاوریم، نه جمع. پس فعل حال کاملی که در جای خالی این سؤال می‌آید، باید has داشته باشد، نه have. در جمله سؤال اول این بخش هم کلمه everyone با فعل مفرد is همراه شده است.

811 **c**: من می‌خواهم این بهار تنیس بازی کردن را امتحان کنم.

812 **d**: بازی‌های المپیک بزرگ‌ترین رویداد ورزشی در جهان است.

813 **b**: من دوست دارم که در آینده به ماه سفر کنم.

814 **watch (out)**: اگر مراقب نباشی ممکن است تصادف بدی کنی.

815 **carry**: افسران پلیس در بریتانیا معمولاً اسلحه حمل نمی‌کنند.

816 **spend**: بعضی از دانش‌آموزان در طول زمان مدرسه حدود دو ساعت برای رسانه‌های اجتماعی زمان صرف می‌کنند!

817 **turn (round)**: مطمئنم که او شنید که من اسمش را صدا کردم، ولی نمی‌دانم چرا برگشت.

818 **d**: شما باید سعی کنید که در یک موقعیت اضطراری خونسرد بمانید. (چیز خطرناکی که به‌طور ناگهانی اتفاق می‌افتد)

تعریفی که در C آمده (وقتی که دیرتان شده است و عجله دارید) تعریف مناسبی برای کلمه emergency (موقعیت اضطراری، وضع اضطراری؛ اورژانس) نیست.

819 **b**: من تا به حال هیچ پولی قرض نگرفته‌ام. (تا زمان حال؛ تا این نقطه)

820 **a**: پدر بزرگم یک قایق ماهی‌گیری کوچک دارد. (چیزی که از این طرف به آن طرف آب سفر می‌کند)

821 **(TV) series**: من تصمیم گرفته‌ام که هفته بعد شروع کنم به تماشا کردن سریال امیرکبیر.

822 **workouts**: انجام دادن ورزش‌های روزانه خیلی مهم است اگر می‌خواهید سالم بمانید.

823 **sports**: پدر بزرگم تلویزیون را روشن کرد تا اخبار ورزشی را تماشا کند.

همان‌طور که در کتابچه واژگان توضیح دادیم، کلمه sports علاوه بر حالت جمع اسم sport، می‌تواند خودش یک صفت به معنی «ورزشی» باشد.

824 **patients**: آن پزشک مهربان همیشه بیمارانی را که پول کمی دارند به‌طور رایگان درمان می‌کند.

825 **thus**: او پیر و بیمار است و بنابراین نمی‌تواند از آن کوه بالا برود.

1315 c: بچه‌ها معمولاً بیشتر توسط هدیه‌هایی که دریافت می‌کنند شگفت‌زده می‌شوند تا خود جشن تولد.

معنی گزینه‌ها: a. بی‌همتا، بی‌نظیر، منحصر به فرد b. بی‌صبر، بی‌تاب، بی‌قرار c. شگفت‌زده d. راضی، خشنود

علاوه بر این که کلمه unique از نظر معنایی برای تکمیل این جمله مناسب نیست، به طور کلی همراه آن با more یا most و به کار رفتنش در حالت تفضیلی یا عالی اصولاً با مفهوم این صفت جور در نمی‌آید. مهم‌ترین دلیل برای نادرستی کلمات impatient و satisfied، آمدن حرف اضافه by بعد از جای خالی است. اگر بخواهیم بگوییم که بچه‌ها برای هدیه‌ها «بی‌قرار» هستند، باید از impatient for استفاده کنیم. اگر هم بخواهیم بگوییم که بچه‌ها از هدیه‌ها «راضی» هستند، همان طور که در کتابچه واژگان دیدیم، باید از satisfied with استفاده کنیم.

LISTENING 1 EXERCISE

Tourist: Wow, these are beautiful. Are they handmade? واو، اینا خوشگلن. کار دست هستن؟

Shopkeeper: Yes, all of them. This plate is from Isfahan, hand-painted with natural colors.

بله، همه شون. این بشقاب مال اصفهانه، با رنگ‌های طبیعی با دست نقاشی شده.

Tourist: It's very beautiful. How long does one take to finish? خیلی خوشگله. تموم کردن یکیش چقدر طول می‌کشه؟

Shopkeeper: Usually about a week, sometimes longer. The small details take a lot of care.

معمولاً حدود به هفته، بعضی وقت‌ها بیشتر. جزئیات کوچک دقت زیادی لازم دارن.

Tourist: I can see that. Do you ship internationally? مشخصه که همین طوره. ارسال بین‌المللی هم انجام می‌دین؟

Shopkeeper: Absolutely. We pack everything carefully and offer worldwide delivery.

قطعاً. همه چیز رو با دقت بسته‌بندی می‌کنیم و به همه جای دنیا تحویل می‌دیم.

Tourist: That's great. I'd love to buy one for my sister. She collects art. عالیه. دوست دارم یکی برای خواهرم بخرم. آثار هنری جمع‌آوری می‌کنه.

Shopkeeper: A wonderful choice. Persian handicrafts always make a special gift.

انتخاب خیلی خوبیه. صنایع دستی ایرانی همیشه هدیه خاصی هستن.

1316 **True:** آن فروشگاه فقط اقلامی را می‌فروشد که کاملاً توسط دست ساخته شده‌اند.

کلماتی مثل only که مفهوم مطلق را به جمله می‌دهند، معمولاً باعث نادرستی جمله می‌شوند، مگر این‌که آن مفهوم مطلق در خود مکالمه یا متن هم آمده باشد. جمله این سؤال یکی از همین موارد خاص است. فروشنده با گفتن این‌که «همه» اجناس فروشگاه دست‌ساز هستند، همان مفهوم مطلق را منتقل می‌کند.

1317 **False:** معمولاً حدود یک هفته یا بیشتر طول می‌کشد تا هر نوع صنایع دستی تکمیل شود.

مدت زمان «حدود یک هفته یا بیشتر» در این مکالمه فقط در مورد یک بشقاب خاص از اصفهان مطرح شده، نه در مورد هر نوع صنایع دستی.

1318 **False:** گردشگر از فروشنده می‌خواهد که آن صنایع دستی را بسته‌بندی کند تا بتواند آن را به خانه ببرد.

حتی اگر معنی دقیق همه کلمات این بخش از مکالمه را ندانیم، با دقت به کلمات ساده‌ای مثل international (بین‌المللی) و delivery (تحویل) و مفهوم کلی این بخش، متوجه می‌شویم که قرار است خود فروشگاه این صنایع دستی را بسته‌بندی و ارسال کند، نه این‌که آن را به گردشگر تحویل بدهد تا با خود ببرد.

1319 **True:** گردشگر می‌خواهد یک صنایع دستی را به عنوان هدیه‌ای برای یک عضو خانواده بخرد.

در اواخر مکالمه، گردشگر گفته که می‌خواهد آن بشقاب را برای خواهرش که آثار هنری جمع‌آوری می‌کند، بخرد.

LISTENING 2 EXERCISE

A: If we go to the museum today, we'll get to see that new art exhibition. آگه امروز بریم موزه، می‌تونیم اون نمایشگاه هنری جدید رو ببینیم.

B: Yeah, I saw something about it online. The artwork looks really cool.

آره، به چیزی در موردش آنلاین دیدم. آثار هنریش واقعاً باحال به نظر میان.

A: If you find something you like, you may want to draw it later. آگه چیزی پیدا کنی که ازش خوشت بیاد، شاید بخوای بعداً نقاشی‌ش کنی.

B: I brought my notebook, just in case!

دفترم رو آوردم، محض اطمینان!

A: If we leave soon, we won't run into too many people.

آگه زود راه بیفتیم، با جمعیت زیادی روبه‌رو نمی‌شیم.

B: Good idea. After the museum, we can walk through the art garden. It's quiet there.

فکر خوبیه. بعد از موزه می‌تونیم توی باغ هنری قدم بزنیم. اون جا آرومه.

A: Great, and if the food stands are still open, we'll get something to eat. I want to try a new Persian dish.

عالیه، آگه غرفه‌های غذا هنوز باز باشن، یه چیزی واسه خوردن می‌گیریم. می‌خوام یه غذای ایرانی جدید رو امتحان کنم.

1320 True: نمایشگاه هنری بخشی از موزه‌ای است که آن‌ها می‌خواهند از آن بازدید کنند.

طبق جمله اول مکالمه، آن‌ها با رفتن به موزه، می‌توانند نمایشگاه هنری را ببینند. این جمله نشان می‌دهد که نمایشگاه هنری، داخل موزه و بخشی از آن است.

1321 False: او (گوینده خانم) فراموش کرد که دفترش را با خودش به نمایشگاه هنری بیاورد.

عبارت just in case که در این جمله مکالمه به کار رفته، به معنی «محض اطمینان، از روی احتیاط» است. البته این عبارت تأثیری روی جواب این سؤال ندارد و بدون دانستن معنی آن، می‌توانیم متوجه شویم که گوینده خانم دفترش را با خودش آورده است.

1322 False: آن‌ها می‌توانند از قدم زدن در موزه لذت ببرند چون آن‌جا آرام است.

در مکالمه گفته شده که «باغ هنری» آرام است، نه موزه. این که برای جلوگیری از شلوغی، می‌خواهند زود راه بیفتند، نشان می‌دهد که خود موزه شلوغ است.

1323 False: آن‌ها قصد دارند که بعد از بازدید از باغ هنری، در نمایشگاه هنری چیزی بخورند.

طبق مکالمه، رفتن به باغ هنری و غذا خوردن، بعد از ترک موزه و نمایشگاه هنری انجام می‌شود. پس آن‌ها قرار نیست در نمایشگاه هنری چیزی بخورند.

LISTENING 3 EXERCISE

Ella: Liv, did you answer the maths questions yesterday? لیو، دیروز سؤالات ریاضی رو جواب دادی؟

Olivia: I did, Ella, but I was confused most of the time. I got really worried when I saw the questions.

جواب دادم، ایلا، ولی بیشتر وقتا گیج بودم. وقتی سؤال رو دیدم واقعاً نگران شدم.

Ella: That big one with the shapes was confusing. I kept making mistakes. اون بزرگ که شکل داشت گیج‌کننده بود. همه‌ش اشتباه می‌کردم.

Olivia: Same. The answers in the back were surprising. I thought I was doing it right!

منم همین‌طور. جواب‌های پشت تعجب‌آور بودن. فکر می‌کردم دارم درست انجامش می‌دم!

Ella: I felt depressed about yesterday's class, yet the teacher seemed satisfied with what we did.

بابت کلاس دیروز ناراحت بودم، ولی معلم از کاری که کردیم راضی به نظر می‌رسید.

Olivia: I was surprised at how tired I felt after solving those questions.

تعجب کردم که بعد از حل کردن اون سؤال‌ها چقدر احساس خستگی می‌کردم.

Ella: Me too. Still, doing the whole thing was pretty satisfying. منم همین‌طور. با این حال، انجام کل اون کار تا حدی رضایت‌بخش بود.

Olivia: I'm hoping tomorrow's lesson will be more exciting. امیدوارم درس فردا هیجان‌انگیزتر باشه.

1324 False: إلا توسط شکل‌های بزرگ داخل سؤال ریاضی گیج شده بود.

ضمیر one در عبارت that big one به «سؤال» اشاره دارد و در واقع این عبارت به معنی «آن سؤال بزرگ» است. پس «سؤال» بزرگ بوده، نه شکل‌ها.

1325 False: جواب‌های آلیویا با آن‌هایی که در پشت کتاب بودند مطابقت داشتند.

آلیویا با دیدن جواب‌های پشت کتاب تعجب کرده و گفته که فکر می‌کرده دارد درست حل می‌کند. پس جواب‌های او با جواب‌های پشت کتاب متفاوت بوده‌اند.

1326 True: معلم از کار دانش‌آموزان در کلاس راضی بود.

عبارت happy with در صورت این سؤال، معنایی مشابه عبارت satisfied with در مکالمه دارد و هر دو به معنی «راضی از، خشنود از» هستند.

1327 True: هردو دانش‌آموز بعد از حل کردن سؤالات ریاضی احساس خستگی می‌کردند.

آلیویا گفته که بعد از حل کردن سؤالات احساس خستگی می‌کرده و إلا هم در جواب گفته me too (من هم همین‌طور). پس هر دو خسته بوده‌اند.

LISTENING 4 EXERCISE

A: Did you read that article about art helping the brain? اون مقاله رو در مورد این که هنر به مغز کمک می‌کنه خوندي؟

B: Yeah. It said painting or even just looking at art can make your brain work better!

آره. می‌گفت نقاشی کردن یا حتی فقط نگاه کردن به هنر می‌تونه باعث بشه مغزت بهتر کار کنه!

A: It seems it also helps focus and memory, which is cool for something so relaxing!

به نظر می‌رسه به تمرکز و حافظه هم کمک می‌کنه، که برای چیزی که این قدر آرامش‌بخشه خیلی باحاله!

B: I tried drawing last night. I felt more energetic after that! Kind of strange, right?

دیشب نقاشی کشیدن رو امتحان کردم. بعدش احساس می‌کردم پرانرژی‌ترم! یکم عجیبه، نه؟

A: I get it. They say creative things light up parts of your brain that regular schoolwork doesn't.

می فهمم چی می گی. می گن کارهای خلاقانه قسمت هایی از مغز رو فعال می کنن که تکالیف درسی معمولی فعالشون نمی کنن.

B: That really does feel right. Art isn't just nice to look at; it does good things for your mind.

واقعاً درست به نظر می رسه. هنر فقط چشم نواز نیست؛ واسه ذهن آدم کارهای مفیدی انجام می ده.

1328 **C:** چه کسی مقاله ای را در مورد این که هنر به مغز کمک می کند خوانده است؟

معنی گزینه ها - a. فقط او (گوینده آقا) b. فقط او (گوینده خانم) c. هر دوی آنها

گوینده خانم در پاسخ به سؤال گوینده آقا می گوید که آن مقاله را خوانده است. صحبت ها و اطلاعات گوینده آقا نشان می دهد که خود او هم آن را خوانده است.

1329 **C:** آن مقاله می گوید که صرفاً نگاه کردن به هنر می تواند باشد.

معنی گزینه ها - a. آرامش بخش برای مغز شما b. مفید برای یادگیری نقاشی c. تقریباً به اندازه نقاشی کردن مؤثر

مطلبی که در مقاله آمده این است که نگاه کردن به هنر می تواند مثل خود نقاشی کردن، عملکرد مغز را بهبود ببخشد. آرامش بخش بودن هنر، نظر خود گوینده است، نه چیزی که در مقاله به آن اشاره شده باشد. یادگیری نقاشی هم در هیچ جای مکالمه مطرح نشده است.

1330 **a:** او (گوینده خانم) احساس پارانرژی بودن بعد از نقاشی کشیدن را «عجیب» توصیف می کند، چون فکر می کرد که او احساس بودن کند.

معنی گزینه ها - a. خسته b. کسل کننده، خسته کننده، حوصله سربر c. سرگرم

این که پارانرژی بودن برای او عجیب بوده، نشان می دهد که انتظار داشته کم انرژی و خسته باشد. اگر در گزینه b به جای صفت فاعلی boring (کسل کننده، خسته کننده، حوصله سربر) از صفت مفعولی bored (کسل، خسته، بی حوصله) استفاده می شد، این گزینه هم می توانست صحیح باشد.

1331 **a:** ایده اصلی این مکالمه این است که هنر

معنی گزینه ها - a. آرامش بخش است و به مغز کمک می کند b. می تواند به افراد خلاق کمک کند c. بهتر از تکالیف درسی کار می کند

در کل این مکالمه، چه در قالب موضوع مقاله و چه در قالب نظر و تجربه شخصی این دو نفر، به آرامش بخش بودن هنر و کمک آن به مغز اشاره شده است.

LISTENING 5 EXERCISE

Milad: Did you know fingerprints were only used for crime cases in the past?

می دونستی اثر انگشت قبلاً فقط برای پرونده های جنایی استفاده می شد؟

Hadi: Yeah, I think police mainly used them to find people. آره، فکر کنم پلیس بیشتر ازش برای پیدا کردن آدمای استفاده می کرد.

Milad: Exactly, but now they're in everyday things, like computers, smart locks, and even some money apps.

دقیقاً، ولی الان تو چیزای روزمره هم هست، مثل کامپیوتر، قفل های هوشمند، حتی بعضی برنامه های مربوط به پول.

Hadi: Yeah, I use my thumb to open my phone. It's such a normal part of life now.

آره، من از انگشت شستم برای باز کردن گوشیم استفاده می کنم. الان به بخش خیلی عادی زندگیه.

Milad: My uncle, who's a former police officer, says this fingerprint tech makes online systems feel safer.

دایی م که یه افسر پلیس سابقه، می گه این تکنولوژی اثر انگشت باعث می شه سیستم های آنلاین ایمن تر به نظر بیان.

Hadi: Fingerprints went from police tools to stuff we use every day. Isn't it interesting, Milad?

اثر انگشت از ابزار پلیس رفت به سمت یه چیزی که هر روز ازش استفاده می کنیم. جالب نیست، میلاد؟

Milad: Yeah, Hadi. They used to just help the police, but now everyone uses them every day.

آره، هادی. قبلاً فقط به پلیس کمک می کرد، ولی الان همه هر روز ازش استفاده می کنن.

1332 **b:** طبق مکالمه، اثر انگشت قبلاً در کمک می کرد.

معنی گزینه ها - a. امور روزمره b. فقط پرونده های جنایی c. استفاده جنایی و روزمره

برای جواب دادن به این سؤال، باید معنی عبارت used to که در صورت سؤال آمده را بدانیم. همان طور که قبلاً در توضیح سؤالات واژگان گفتیم، این عبارت به معنی «قبلاً» است و به عمل یا حالتی اشاره دارد که در گذشته بوده، ولی دیگر وجود ندارد. این عبارت نشان می دهد که استفاده قدیمی اثر انگشت مدنظر این سؤال است، نه استفاده امروزی آن. کاربرد عبارت used to در جمله آخر این مکالمه هم می تواند در تشخیص معنی آن به ما کمک کند. کلمه crime (جرم، جنایت) یک کلمه خارج از کتاب است، ولی حتی بدون دانستن معنی آن، تطابق این کلمه در گزینه b با جمله اول مکالمه، جواب را به ما نشان می دهد.

1333 b: هادی به چه استفاده روزمره‌ای از اثر انگشت اشاره می‌کند؟

معنی گزینه‌ها - a: استفاده از برنامه‌های مربوط به پول b. باز کردن قفل گوشی‌اش c. پیدا کردن افراد گزینه C مربوط به کاربردهای پلیسی اثر انگشت است، نه استفاده‌های روزمره که در این سؤال خواسته شده است. برای انتخاب بین گزینه‌های a و b، باید به اسم گوینده‌ها توجه کنیم. نکته‌ای که کار را کمی سخت می‌کند این است که اسم گوینده‌ها فقط در انتهای مکالمه آورده شده است. یعنی باید اسم گوینده‌ها را در انتهای مکالمه یاد بگیریم و در تکرار بعدی فایل صوتی، دقت کنیم که کدام مورد توسط هادی مطرح شده است.

1334 a: می‌توانیم از این مکالمه بفهمیم که دایی میلاد

معنی گزینه‌ها - a: در گذشته افسر پلیس بوده، ولی الان دیگر نه b. قبل از استفاده از سیستم‌های آنلاین، مطمئن می‌شود که ایمن است c. معتقد است که تکنولوژی اثر انگشت می‌تواند برای استفاده خطرناک باشد. برای جواب دادن به این سؤال، باید معنی کلمه former (قبلی، سابق) را که در این مکالمه به کار رفته بدانیم. این کلمه در کتابچه واژگان، در بخش چهارم درس سوم آورده شده است. با دانستن معنی این کلمه، متوجه می‌شویم که دایی میلاد یک افسر پلیس «سابق» است؛ یعنی قبلاً پلیس بوده و الان دیگر نیست.

1335 c: کدام یک از موارد زیر طبق مکالمه درست است؟

معنی گزینه‌ها - a: گوشی‌ها باید ایمن‌تر باشند تا هیچ‌کس نتواند به راحتی به آن‌ها دسترسی پیدا کند. b. پلیس باید استفاده از اثر انگشت برای پیدا کردن و شناسایی افراد را متوقف کند. c. تکنولوژی اثر انگشت می‌تواند هم به شیوه‌های قدیمی و هم به شیوه‌های جدید مفید باشد. در این مکالمه، کاربردهای قدیمی اثر انگشت برای پلیس و کاربردهای جدید آن در زندگی روزمره مطرح شده، ولی اشاره‌ای به گزینه‌های a و b نشده است.

LISTENING 6 EXERCISE

Melika: Have you noticed how doing art seems to change how people act?

توجه کردی هنر کار کردن چگونه رفتار مردم رو انگار تغییر می‌ده؟

Reza: You mean like painting or making things with clay?

منظورت مثلاً نقاشی کردن یا چیزی درست کردن با خاک رُس؟

Melika: Yeah. I saw a study saying it can improve creativity and help us feel more confident around others.

آره. یه تحقیق دیدم که می‌گفت می‌تونه خلاقیت رو بهتر کنه و به ما کمک کنه که پیش بقیه احساس اعتمادبه‌نفس بیشتری داشته باشیم.

Reza: That's interesting, Melika. So, it's not just about making nice pictures?

جالبه، ملیکا. پس فقط واسه تصویرای قشنگ درست کردن نیست؟

Melika: Exactly, Reza. It actually makes people talk, share ideas, or join groups.

دقیقاً، رضا. در واقع باعث می‌شه مردم حرف بزنن، ایده‌ها رو به اشتراک بذارن یا عضو گروه‌ها بشن.

Reza: I think being creative makes you more open to new things and people.

فکر می‌کنم خلاق بودن باعث می‌شه بیشتر پذیرای چیزا و آدمای جدید باشی.

Melika: Sure. I joined a drawing club last month, and I met loads of friendly people I'd never talked to before.

مطمئناً. من ماه پیش عضو یه باشگاه نقاشی شدم و کلی آدم مهربون رو دیدم که قبلاً هیچ‌وقت باهاشون حرف نزده بودم.

Reza: Sounds like art isn't just good for your brain; it's good for your social life too.

به نظر میاد هنر فقط واسه مغز آدم خوب نیست؛ واسه زندگی اجتماعی آدم هم خوبه.

1336 b: رضا می‌پرسد که آیا ملیکا به فعالیت‌هایی مثل یا اشاره می‌کند.

معنی گزینه‌ها - a: ملحق شدن به باشگاه‌ها - پیدا کردن دوستان جدید b. نقاشی کردن - درست کردن چیزها با خاک رُس c. یاد گرفتن مهارت‌های جدید - بهبود بخشیدن ذهن خود d. نوشتن شعر - بازدید کردن از موزه‌های هنری

سؤالاتی که در این تمرین می‌بینیم، جزو آسان‌ترین نوع سؤالات شنیداری هستند، چون نیازی به تحلیل و درک مفهومی مکالمه ندارند و فقط باید گزینه‌ای را که در فایل صوتی می‌شنویم در جای خالی بیاوریم. فقط یک نمونه از این نوع سؤالات را آوردیم تا با آن آشنایی داشته باشیم و ببینیم که چقدر ساده هستند!

1337 a: به گفته ملیکا، هنر می‌تواند را بهبود ببخشد و به افراد کمک کند که در کنار دیگران بیشتر احساس بودن کنند.

معنی گزینه‌ها - a: خلاقیت - بااعتمادبه‌نفس b. سلامتی - راحت c. خلق - کامل d. حافظه - آرام

1338 a: رضا معتقد است که بودن باعث می‌شود افراد نسبت به چیزها و افراد جدید بیشتر باشند.

معنی گزینه‌ها - a: خلاق - پذیرا b. اجتماعی - آماده c. مرتب - ساکت d. ماهر - خجالتی



- 1339 c: ملیکا ماه پیش به یک ملحق شد و در آن جا را ملاقات کرد.
- معنی گزینه ها: a. کلاس نقاشی - همسایگانش b. گروه اجتماعی - هنرمندان خیلی ماهری c. باشگاه نقاشی - تعداد زیادی افراد مهربان d. تیم عکاسی - افرادی که نمی شناخت
- 1340 rugs: فالی ها، قالیچه ها، گلیم ها
- 1341 beauty: زیبایی
- 1342 custom: سنت؛ رسم
- 1343 result: نتیجه
- 1344 exciting: هیجان انگیز
- 1345 culture: فرهنگ
- 1346 carry: حمل کردن، بردن؛ همراه داشتن، با خود داشتن
- 1347 repeat: تکرار کردن
- 1348 suddenly: ناگهان، به طور ناگهانی (این کلمه جزو لغات سال دهم است که به عنوان پیش نیاز در ابتدای کتابچه واژگان آورده شده اند.)
- 1349 recognize: شناختن، تشخیص دادن
- 1350 natural: طبیعی
- 1351 double: دو برابر؛ دوتایی؛ دو تا؛ دو برابر کردن
- 1352 ugly: زشت، بی ریخت
- 1353 still: هنوز؛ با وجود این، با این حال
حواسمان باشد که قید still (با ای کوتاه) را با فعل steal (با ای کشیده) به معنی «دزدیدن» اشتباه نگیریم. تفاوت کاربردی این دو در جمله کاملاً مشخص است.
- 1354 prevent: جلوگیری کردن از، بازداشتن؛ پیشگیری کردن از
- 1355 humankind: انسان، (نوع) بشر، بشریت
- 1356 material: ماده؛ جنس
- 1357 moments: لحظات، دقایق؛ مواقع
- 1358 alone: تنها، به تنهایی
- 1359 matters: اهمیت داشتن (معنی فعل matter را با فعل care که در سؤالات بعدی آمده مقایسه کنید.)
- 1360 accept: قبول کردن، پذیرفتن
دقت کنیم که فعل accept که در این جمله آمده، تلفظی مشابه حرف اضافه except (به جز) دارد، ولی تفاوت کاربردی شان در جمله کاملاً مشخص است. البته این کلمات در کتابچه واژگان، در بخش دهم درس سوم آورده شده اند و فعلاً آن ها را نخوانده ایم. ولی چون اشتباه گرفتن این دو کلمه خیلی رایج است، در این بخش که آخرین تمرین شنیداری این کتاب است، این کلمات را آوردیم تا بگوییم که باید به تفاوتشان در سؤالات شنیداری توجه کنیم.
- 1361 diverse: متنوع، گوناگون (به دو تلفظ متفاوت این کلمه که در کتابچه واژگان، در بخش سوم درس سوم آورده شده توجه کنید.)
- 1362 goals: اهداف
- 1363 certain: مطمئن؛ بخصوص
- 1364 achieve: دست یافتن به، نائل شدن به، رسیدن به
- 1365 care: اهمیت دادن (معنی فعل care را با فعل matter که در سؤالات قبلی آمده مقایسه کنید.)
- 1366 c: محبوبه چند تا گل خرید تا به مادرش بدهد.
- 1367 a: او از دیدن هم کلاسی اش بعد از ده سال خوشحال شد.